

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



ارتش و سپاه پاسداران با کشتار
دسته جمعی زنان و کودکان
بی دفاع روستای "قلهتان"
"قارنا" ی دیگری آمردند.

چهارشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۵۸

سال دوم - شماره ۵۲ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۶ صفحه - قیمت ۲۰۰ ریال

آرمان بنی صدر: پیام کارتر

در اخبار تلویزیونی روز شنبه ساعت ۹/۵ بعد از ظهر با سرعت تمام اعلام می شود که جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا برای امام خمینی پیامی فرستاده است. در تمام مدت جریان سخن این پیام طولانی، تصویر "مهربان" جیمی کارتر در کنار تصویر آیت الله خمینی بر صفحه تلویزیون ظاهر می شود. کپکاه نیز تصویر "معصوم" روزالین کارتر به مردم نشان داده می شود.

در این پیام، از پیام نوروزی آیت الله خمینی به عنوان سندی که کارتر را خشنود ساخته است، ستایش شد.

به محض پخش این پیام از رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی، کاخ سفید و شخص جیمی کارتر ارسال چنین پیامی را قویا نکذیب کردند. اینک چند روز است که بنی صدر و مطبزاده و سایر مقامات بر صحت این پیام پافشاری می کنند و کاخ سفید مرتبا وجود چنین پیامی را تکذیب می کند. آنها می گویند خود کارتر پیام را فرستاده، آنها می گویند ما از چنین پیامی هیچ اطلاعی نداریم.

این بازیها هر چه باشد، ماجرای پیام و چگونگی تهیه و بقیه در صفحه ۲

پیام نوروزی آیت الله خمینی چه کسانی را خشنود کرد؟

پیام نوروزی آیت الله خمینی در مقایسه با زمانی که مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد، حاکی از چرخشی است که در سیاست و سمت گیری ایشان حاصل شده است.

در هفته آخر سال ۵۸، آیت الله خمینی در دو پیام جداگانه، نخست حکم آزادی ساواکی ها و وابستگان رژیم سابق را صادر کرد و بعد بر نتایج انتخابات صحنه گذاشت

پیام سوم آیت الله که به مناسبت نوروز فرستاده شد و سید احمد خمینی، روز اول فروردین در بهشت زهرا آن را قرائت کرد مکمل دو پیام قبلی بود.

بقیه در صفحه ۳

توسط ارتش و پاسداران

فاجعه "قارنا" در "قلهتان" تکرار شد

همچون سال گذشته بهار زحمتکشان کردستان به خون کشیده شد

ارتش و پاسداران در نخستین روزهای فروردین با تانک و مسلسل به دهکده "قلهتان" حمله کردند کودکان، زنان و مردان پیر روستا را زیر تانکها گرفتند و سپس برای محو جنایات خود با تیرپ دهکده را به کلی ویران ساختند.

باشد تا با خیزش دگرگانه طبیعت، آرمان رهایی کارگران و زحمتکشان میهن، توانمندتر از گذشته تداوم یابد.

خلق کرد نیز با این امید که سال نو، سال شکوفایی آرمان رهایی اش باشد همچون سایر خلقها و زحمتکشان میهن بهار را استقبال کرد. اما بقیه در صفحه ۵

زمنستان پایان یافت و در تب و تاب مبارزه ضد امپریالیستی توده های میهنمان بهار فرا رسید. مردمی که با قیام تاریخی خود یکی از بزرگترین حماسه های دوران ما را آفریدند، بهار را با امید به پیروزی های هر چه بیشتر به یکدیگر شادباش می گویند.

در این شماره:

- پیش نویس قانون جدید تأمین اجتماعی
- یازدهمین قانون تأمین اجتماعی رژیم شاه (مستاد)
- نامه بکت کارگر بکار برای نشر به کار
- دولت و کمیته کارگران را روانه زندان می کنند!
- اقدامات ضد مردمی دادستان گنبد
- فنودالها و زمینداران بزرگ علیه دهقانان متحد می شوند
- رئیس جمهور
- و اوضاع مناسب!
- سیاست های گام به گام
- گام به گام شاه را
- به ایران نزدیک میکند

اعتراضات وسیع مردم به انتخابات همچنان ادامه دارد

با بالا گرفتن موج اعتراضات توده های مردم به تقلبات و تخلفات انتخاباتی، دولت و شورای انقلاب ظاهرا پذیرفتند که هیئت ویژه و کمیسیونی برای رسیدگی به افتضاحات انتخابات تشکیل دهند.

ما معتقدیم که این هیئت ویژه نه تنها تقلبات را برملا نخواهد کرد، بلکه بر تقلبات بزرگ و آشکار هم سرپوش خواهد گذارد. اینان در کشف حقایق پشت پرده همانقدر مومن و معتمد خواهند بود که هیئت های بررسی از جانب رئیس جمهور حقایق مربوط به ترور رهبران خلق ترکمن را در اختیار مردم گذاشتند! در صفحه ۶

چرا خواست رئیس جمهور اطاعت کورکورانه از فرماندهان ارتش شاه است؟

ارتش بازمانده رژیم شاه که بخش عظیمی از ماشین دولتی سرکوبگر آن را تشکیل می داد، اطاعت کورکورانه، سازماندهی پس از تحمل ضرباتی که در پیشین اش را باز یافته و بر قیام شکوهمند میهن نصیبش بقیه در صفحه ۹

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

کتابخانه سازمان چریکهای فدائی خلق

های
وی
مردم
ساز
هقانی
مر روز
دان و
ه برای
سم
رند
های
در روز
صمیم
ست
ما را
سرد
ادت
پای
داشت
ست
وده ها
سوار
نظار
ای
نه
ما
بان
سای
م
د
سای
م
س
اه
ونی
تلات
به
بریدو
رگرو
سی
ریم

توضیح:

پیرامون انتشار جزوه‌های
حای بخش از مذاکرات پلنوم سازمان

اخیرا قسمتی از مباحث نخستین پلنوم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با عنوان "درباره بحران درون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" انتشار یافته است.

در این رابطه توضیحات زیر را به سود جنبش کمونیستی ایران می‌شناسیم زیرا جریان‌های مخربی را که زیر پوشش مارکسیسم - لنینیسم به جنبش کمونیستی ایران خیانت می‌کنند افشا می‌کند و صفوف جنبش کمونیستی را پالایش می‌دهد.

۱- این جزوه توسط "حزب توده" که به شهادت سوابق ۴۵ ساله‌اش بدعت گذار شیوه‌های پلیسی و جاسوس پروری است باز پراگذاشته شدن عرف و سنت مبارزاتی یادروشی و دغلکاری به نام گروهی از هواداران سازمان انتشار یافته و توسط انتشاراتی‌های وابسته به این "حزب" در سطح جامعه به معرض فروش گذاشته شده است.

۲- صورت مباحثی که انتشار یافته کامل نیست ناشرین با حذف بخش‌هایی از در جنبش کمونیستی ایران مورد حمله قرار می‌داده سعی در مخدوش کردن سمت و جهت مباحث نموده‌اند.

۳- بعد از تشکیل پلنوم سازمان تصمیم گرفت مباحث پلنوم را در سطح کل تشکیلات مطرح نماید. یعنی صورت جلسات کامل پلنوم علاوه بر اعضای سازمان در سطح هسته‌ها و محافل وابسته به سازمان نیز به بحث گذاشته شود و به این ترتیب با گسترش بحث‌ها زمینه تعمیق و گسترش دستاوردهای مباحث مذکور فراهم آید. سازمان در مورد برخی دیگر از بحث‌های ایدئولوژیک درون سازمانی نیز چنین روشی را اتخاذ نموده است. و این امر در اکثر بخش‌های سازمان صورت گرفت.

۴- با توجه به وضعیت عینی روابط هواداران جریان‌های سیاسی مختلف در سطح جنبش سازمان در همان زمان نا طرح مباحث گفتارها در این سطح وسیع این امر را که عناصر دیگری نیز در جریان این مباحثات ایدئولوژیک قرار خواهد گرفت، امر فاق...

پلنوم فقط برای رفقای لازم و قابل استفاده است که از قبل وسیعاً در جریان این موضوعگیری‌ها و بحث‌ها بوده‌اند و چاپ و انتشار آن ضرورتی نداشته است.

انتشار علنی صورت مذاکرات بدین شکل تنها می‌تواند مورد توجه عناصری باشد که قبل از آنکه به مبارزه ایدئولوژیک به معنای اصولی آن پایبند باشند و ز فکر ارضای کنجکاو‌های پلیسی و تمایلات جاسوس‌ها با ناهنجاری‌ها و با شدت این عمل پلیسی راه شدت محکوم می‌کنیم و نسبت به عواقب عدم مبارزه پیگیر با این شیوه "توده‌ای‌ها" به همه گروه‌ها و سازمان‌های مترقی هشدار می‌دهیم. این اولین بار نیست که "حزب توده"

به چنین اقداماتی دست می‌زند "حزب توده" چندی پیش نیز به شیوه‌های پلیسی اسناد درون سازمانی "کوموله" را سرقت و دست به انتشار آن زده است. تربیت و پرورش جاسوسان سیاسی، دزدی اسناد و مدارک سیاسی سازمان‌ها، انتشار این اسناد با هدف تضعیف سازمان‌های سیاسی زیر پوشش‌های ریاکارانه، گسترش جو بی اعتمادی، سوءظن، کوشش‌های پلیسی برای نفوذ در تشکیلات سایر نیروها و خبرکشی و جمع آوری اطلاعات پلیسی از درون جریان‌های سیاسی شیوه‌ای است که سالهاست توسط "حزب توده" دنبال شده و به اجرا گذاشته شده است. جعفریان‌ها، شهریاری‌ها، قریبی‌ها،

هوشنگ‌سادی‌ها و دیگر جاسوسان شناخته شده و ناشناخته‌ای که در درون صفوف این به اصطلاح "حزب طراز نوین طبقه کارگر" فعالیت کرده و می‌کنند گوشه‌های از حرکت و حیات این جریان سیاسی روبه مرگ را به نمایش گذاشته است. ما برای مقابله با این روش‌های پلیسی نه تنها خود را ملزم می‌دانیم بلکه یک بار دیگر به همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه، پیرامون سرقت‌های سیاسی و روش‌های پلیسی توسط این جریان ورشکسته هشدار می‌دهیم و اعلام می‌داریم که جنبش انقلابی موظف است برای مقابله با این تلاش‌های پلیسی تدابیر لازم را اتخاذ نماید.

آرمان بنی صدر: پیام کارتر

بقیه از صفحه ۱

اما تکذیب نامه کارتر، مانور سیاسی سازشکاران و کارگزاران سیاست "گام به گام" به سوی آمریکا را موقتا با اختلال روبرو می‌سازد و سیاستی که می‌کوشد از هر فرصتی برای نزدیکی به "غرب" بهره جوید با دشواری تازه‌ای روبرو می‌شود.

همانطور که گفتیم کارتر نمی‌تواند در آستانه انتخابات احساسات برانگیخته توده‌های عقب مانده امریکایی را نادیده بگیرد. تکذیب پیام دشواری جدیدی در راه نزدیکی هرچه بیشتر شورای انقلاب با امپریالیسم آمریکا فراهم می‌کند. این حادثه برای همه احزاب و محافل سرمایه‌داری می‌کند. این عمل بیشتری یافته‌اند، دلخراش است و ضربه بزرگی محسوب می‌شود.

شورای انقلاب و همه محافل و عناصری که برای فرونشاندن شور ضد امپریالیستی توده‌ها تلاش می‌کنند و می‌خواهند مبارزات ضد امپریالیستی مردم را به درگیری میان صفوف مردم بدل سازند، از این حادثه به شدت ناخشنود و سرافکنده‌اند. سازش و نزدیکی هرچه زودتر با امپریالیسم آمریکا برای حیات سیاسی آنها حیاتی است. آنها رشد سریع آگاهی و تشکل توده‌ها را می‌بینند. رشد نیروهای انقلابی و رویگردانی سریع توده‌ها را از سیاستی که برای حفظ نظام سرمایه‌داری روز به روز بیشتر از مردم دور می‌شود، می‌بینند و دواي درد بی‌درمان خود را نزدیکی هرچه بیشتر با امپریالیسم جهانی جستجو می‌کنند. مجریان این سیاست ماههاست که آشکارا سیاست دوستی با امپریالیسم آمریکا و دشمنی با دولت‌ها و نیروهای ضد امپریالیست را دنبال می‌کنند. مجریان این سیاست که می‌دانند در آینده‌ای نه چندان دور هیچ پایگاهی در میان مردم نخواهند داشت، با عجله به تقویت ارتش و ترمیم شبکه‌های جاسوسی ساواک روی آورده‌اند و در این راه فقط امپریالیسم جهانی است که می‌تواند یار و پشتیبان آنان باشد.

سیاست شورای انقلاب همان سیاست دولت بازرگانان است با این تفاوت که می‌خواهد سیاست "گام به گام" را قاطعانه به پیش برد. این سیاست امروز با دانشجویان خط امام و با هر نیروی ضد امپریالیست و ترقیخواهی به دشمنی برخاسته است. این سیاست مصمم است. برای حفظ نظام سرمایه‌داری و فرونشاندن مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها ثمرات انقلاب مردم و ثمرات خون شهیدان را به پای امپریالیسم آمریکا بریزند. این سیاست همان سیاستی است که در برابر مبارزات درخشان توده‌ها و اتحاد عمل نیروهای انقلابی محکوم به شکست است.

ارسال آن هرچه باشد. چندان مهم نیست، آنچه اهمیت دارد، تلاشی است که شورای انقلاب، رئیس جمهور و وزیر خارجه برای عادی کردن روابط دیپلماتیک و فرونشاندن شور و احساسات ضد امپریالیستی مردم از خود نشان می‌دهند. این است کاسه زیر نیم کاسه پیام کارتر.

پیام اسرارآمیز کارتر محتوای مطلوب شورای انقلاب را در خود داشت و زمینه سازش با آمریکا بر سر تحویل شاه، سازش با امپریالیسم آمریکا بر سر جاسوسان امریکایی، سازش با امپریالیسم آمریکا برای ابقای قراردادهای نظامی و تحویل گرفتن سلاح‌ها و قطعات یدکی مورد نیاز ارتش و خلاصه سازش با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به مشخص، انتشار پیام امام، مقامات حکومتی به ویژه وزیر خارجه با محافل نزدیک کاخ سفید تماس می‌گیرند که هرچه زودتر از نکات "مطلوب" پیام استفاده کنند.

رئیس جمهور بارها اعلام کرده بود که اگر امریکایی‌ها اشتباهات خود را بپذیرد و تعهد کند که در امور ایران دخالت نمی‌کند (یعنی اگر امپریالیسم آمریکا اعلام دارد که از این پس امپریالیست نخواهد بود)، ما می‌توانیم روابط معقول داشته باشیم. رئیس جمهور با این سخنان همواره تلاش کرده است در مردم این توهم را ایجاد کند که امپریالیسم آمریکا دیگر مثل گذشته عمل نخواهد کرد تا هر طوری شده، زمینه را برای عادی کردن روابط با آمریکا فراهم کند.

برای امپریالیسم آمریکا پیام آیت‌الله خمینی، موقعیتی مناسبی را فراهم آورده بود که از آن به نفع خود بهره‌گیری کند و تحایل شورای انقلاب و آفای رئیس جمهور را اجابت نماید. اما از سوی دیگر کارتر در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نمی‌توانست احساسات ضد خمینی امریکاییان را که توسط وسایل ارتباط جمعی و خود حکومت آمریکا برانگیخته شده است، نادیده بگیرد.

مقامات ایرانی برای ارسال این پیام به سفارت سوئیس که روابط بسیار نزدیکی با کاخ سفید دارد، تماس می‌گیرند. سفارت سوئیس کار تهیه این پیام را به عهده می‌گیرد و همانگونه که از محتوای پیام کارتر معلوم است، سیاست مطلوب شورای انقلاب و رئیس جمهور در این پیام به وضوح منعکس می‌شود.

در پیام کارتر بر سیاست مشترک ایران و آمریکا علیه کمونیسم بین‌الملل و علیه دولت افغانستان تاکید می‌شود و پس از تعریف از دمکراسی امریکایی چنین می‌گوید: "می‌خواهم جسارتاً اعلام دارم که به نظر من زمان و مکان واقعی نظام‌های سیاسی مربوطه ما به زیان ما دستورند."

پیام نوروزی آیت الله خمینی چه کسانی را خشنود ...

بقیماز صفحه ۱

استقلال ایران، یعنی کار، مسکن، آزادی، یعنی نابودی سلطه امپریالیسم، یعنی کارگران بیکار نباشند، یعنی مردم سلطه چپاولگران را نبود کرده باشند، یعنی کارگران حقوق خود را کسب کرده باشند و استثمار سرمایه داری را از میان برده باشند، یعنی فشار گرانی که نتیجه افزایش قیمت ها و نتیجه حرص سرمایه داران است حان مردم را به لب نرساند، یعنی وقتی راننده تاکسی تصادف کرد و یا فلاں کاسب مریض شد خانواده اش را گرسنگی تهدید نکند، یعنی زحمت کشانی که سرپناهی نداشته اند، درماندگی که تسخیر کرده اند، باقی بمانند و کسی نتواند آنها را به عنوان ضدانقلاب از سرپناهشان بیرون کند یعنی زاغه شینان و خانه بدوشان در آپارتمانها و شهرکهای که با گوشت و خون خودشان درست شده است، زندگی کنند، یعنی دهقانان زمین هائی را که روی آن کار می کنند در اختیار داشته باشند و زمین داران نتوانند بار دیگر زمین ها را از چنگ آنها بیرون بیاورند ... آری برای مردم امنیت وقتی به دست می آید، ریشه استثمار، بیکاری، بیماری، سیوادی، خانه بدوشی و ... از میان رفته باشد.

اما امنیت برای سرمایه داران و زمین داران یعنی این که مردم را بچاپند و کسی نفسش بیرون نیاید، همه خفه شوند، یعنی میلیون ها نفر از مردم ما بیکار باشند اما هیچکس جرات نتق کشیدن نداشته باشد، یعنی زمین داران بتوانند زمین ها را از چنگ دهقانان بیرون بیاورند، یعنی زمین داران مبارزات دهقانان را سرکوب کنند، یعنی سرمایه داران مبارزات کارگران را سرکوب کنند، یعنی سرسازان و درجه داران کورکورانه از فرماندهان اطاعت کنند تا در فرصت مناسب بشود زحمتکشان را به خاک و خون کشید، یعنی این که ایران را مثل زمان شاه بچاپند، مردم را سرکوب کنند، همه را اسیر کنند اما آب از آب تکان نخورد، یعنی هرکس اعتراض کرد، به عنوان مخل نظم دستگیرش کنند و اگر خیلی " مزاحم " بود، سرش را برآب کنند. این است معنی امنیت برای سرمایه داران و استثمارگران.

معلوم است که مردم کدام امنیت را میخواهند و طبقه سرمایه دار و محافل وابسته به آن برای به راه انداختن سرمایه های خود و کسب سود هر چه بیشتر و به جیب زدن همه ثمرات کار زحمتکشان و همه درآمد های نفت ایران، کدام امنیت را می خواهد. امنیت اولی را که خواست زحمتکشان است، فقط خود مردم می توانند برقرار کنند، فقط کسانی می توانند برقرار کنند که معنی بیکاری، گرسنگی، بی خانمانی و گرانی را می فهمند و استثمار و ستم سرمایه داری را با گوشت و پوست و خون خود لمس می کنند. این امنیت را شورای مردمی که باید در کارخانه و روستا و ارتش و هر جای دیگر تشکیل شوند، می توانند برقرار کنند. امنیت دومی که خواست سرمایه داران است با زور به دست می آید و فقط ارتش و پلیس و ژاندارمری و سازمان امنیت می توانند برقرار کنند. این امنیت را ظهیرنژادها، فلاحی ها و سایر نوکران شاه برقرار می کنند. این امنیت برای مردم کمال ناامنی و بی نظمی است سرمایه داران و زمین داران و فرماندهان ارتش می خواهند هرچه زودتر و به هر ترتیبی شده، جلوی رشد آگاهی توده ها و رشد نیروهای

بقیه در صفحه ۴

اکنون در جلو چشم ما هستند. آنها ضد کمونیست بودند و هستند و می بینیم که چگونه به دامان امپریالیسم افتاده و به چماق نفرت انگیز امپریالیسم در منطقه ما تبدیل شده اند. شعار " نه شرقی، نه غربی " یک شعار پیچ و بی معناست. " ثمره تلخ این نوع تفکر در سالهای آینده روشن می گردد " خیلی ها این راه را رفته و آن را آزموده اند. مردم ایران از سرنوشت این رژیم ها پند خواهند گرفت و اجازه نخواهند داد ثمره خون شهدایشان لگدمال کسانی بشود که به انتظار به ثمر رسیدن این سیاست ها نشسته اند.

استقلال و آزادی ایران و رهائی کارگران و دهقانان میهن ما در صورتی تامین خواهد شد که ریشه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در میهن ما قطع شود و این شدنی نیست مگر با اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست اعم از

● کمونیست ها دشمنان شماره یک امپریالیسم هستند. هر رژیمی که با کمونیست ها دشمنی کرده، بالاخره به دامان امپریالیسم افتاده است.

نیروهای مترقی ملی و مذهبی تا انقلابیون کمونیست. هرگونه نفاق افکنی میان این نیروها و تلاش در جهت سرکوب آنها بدون شک به سود آمریکا و هموارکننده راه تحکیم سلطه امپریالیسم است.

امام در جای دیگر این پیام چنین گفته اند: " امسال سالی است که باید امنیت به ایران بازگردد و مردم شریف در کمال آسایش زندگی نمایند. "

مردم با مبارزات درخشان خود به پیروزی های بزرگی رسیده اند، کارگران تا حدود زیادی متحد و متشکل شده اند و شوراهای کارگری اختیار خیلی از کارخانه ها را به دست گرفته اند. دهقانان در بسیاری از نقاط زمین ها را از چنگ اربابان و مالکان بیرون آورده اند، سربازان و درجه داران و افسران جزء آگاه شده و متحدان در برابر فرماندهان ارتش ایستاده اند. وزیر بار اطاعت کورکورانه نمی روند، در برخی از مناطق زحمتکشان منازل و آپارتمان های سرمایه داران را تسخیر کرده اند، مردم برای پیروزی کامل خود و نابودی کامل سرمایه داری و سلطه امپریالیسم مبارزه خود را ادامه می دهند، کارگران و دهقانان به پسا خاستماند تا اختیار همه کارخانه ها و زمین ها را به دست گیرند، مردم مصمم اند همه مظاهر سرمایه داری و استثمار را از میان بردارند. امروز مبارزات کارگران، دهقانان و همه مردم زحمتکش ایران علیه سرمایه داری و زمین داری در سراسر ایران جریان دارد. آیت الله خمینی در پیامش مردم را از ادامه این مبارزات منع کرده اند. اما مردم عملاً دریافته اند که برای رهائی خویش و کسب حقوق عادلانه خود هیچ راهی جز ادامه این مبارزات ندارند.

امنیت برای کارگران و زحمتکشان چه مفهومی دارد؟

امنیت برای کارگران و زحمتکشان یعنی

امام چه گفت؟

" ما با کمونیسم بین الملل به همان اندازه درستیزیم که با جهانخواران غرب به سرکردگی آمریکا "

هر روز که می گذرد بیشتر آشکار می شود که مهره های استخواندار امریکائی حساس ترین پست های حکومتی را در دست خود گرفته اند. سر رشته اقتصاد ما همچنان در دست امریکا است. طبقه سرمایه دار ایران که هم طرفدار امریکا و هم وابسته به امریکا است، جان مردم را به لب رسانیده است. گرانی و قحطی و بیکاری را آنها به مردم زحمتکش میهن ما تحمیل کرده اند.

فرماندهان شاهدوست و دست پرورده امریکا روز به روز جای پای خود را محکم می کنند. امپریالیسم امریکا از خارج و داخل برای سرکوب توده های ستمدیده ایران و تحکیم سلطه خویش بر میهن ما دست به هراقدامی می زند و همه دولت های ارتجاعی منطقه از پاکستان و عراق و عربستان گرفته تا مصر و اسرائیل همه متحدان دو شادوش ارباب خود امریکا، علیه مردم ما تدارک می بینند. سالهاست که کسانی که می خواهند چهره واقعی امپریالیسم و امپریالیستها را مخفی کنند و می کوشند تا با نهادن نام کمونیست ها در کنار نام

سرمایه داران از یک طرف برای سرمایه داران کسب اعتبار کنند و از طرف دیگر علیه کمونیست ها آگام دشمن سرسخت سرمایه داری و امپریالیسم هستند، که دوست واقعی مردم زحمتکش هستند، تبلیغات کنند. تاریخ و تمام شواهد تاریخی ثابت کرده است که دشمنی با کمونیست ها که تا آخرین قطره خون خود با شاه و امریکا جنگیده اند دشمنی با کمونیست ها که در صف مقدم جبهه خلق علیه امپریالیسم و همه مظاهر آن با تمام وجود خویش مبارزه می کنند، فقط و فقط به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا است. همین کمونیست ها بودند که گروه گروه به دستور امپریالیسم امریکا و تنها به جرم دفاع از منافع زحمتکشان و استقلال ایران به دست شاه جنایتکار اعدام می شدند و تا پای چوبه اعدام نیز فریاد بر می کشیدند: " زنده باد زحمتکشان - مرگ برای امپریالیسم - مرگ بر سرمایه داری " همین کمونیست ها هستند که امروز به دست باندهای سیاه و نوکران سرسپرده امپریالیسم امریکا شکنجه و حتی ترور می شوند.

آیا گل سرخی ها و جرنی ها نبودند که پرچم خونین مبارزه علیه امپریالیسم را در میهن ما در اهتزاز نگه میداشتند؟

آیت الله خمینی در پیام نوروزی شان عملاً جزئی شهید را با تهرانی جلاد، گل سرخی را با جلادان ساواک و بیتنام قهرمان را با امپریالیسم امریکا و خسرو روزبه را با تیمور بختیار مساوی و یکی دانسته اند.

کمونیست ها دشمنان شماره یک امپریالیسم هستند. هر رژیمی که با کمونیست ها دشمنی کرده بالاخره به دامان امپریالیسم افتاده است. در هیچ کجای دنیا رژیمی پیدا نمی شود که توانسته باشد بدون اتحاد با انقلابیون کمونیست مبارزه با امپریالیسم را به پیش برده باشد چه برسد به اینکه بخواهد با کمونیست ها دشمنی کند. تاریخ ثابت کرده است که تمام رژیم هائی که با کمونیست ها دشمنی کرده اند، رژیم هائی که کمونیست ها را سرکوب کرده اند و به جوخه اعدام سپرده اند، حتما حلقه نوکری امپریالیسم را به گردن انداخته اند. رژیم مصر و عراق هم

بسبب مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

پیام نوروزی آیت الله خمینی ...

بقیه از صفحه ۳

انقلابی را بگیرند، مادام که مردم به مبارزه درخشان خود برای نابودی سلطه سرمایه‌داری و امپریالیسم ادامه می‌دهند، برای سرمایه‌داران، برای زمین‌داران امنیت وجود ندارد. از این رو است که آنها می‌خواهند امنیت لازم را برای کسب سود، برای دریند کشیدن مردم و برای غارت و استثمار بی حساب خود تامین کنند.

در پیام نوروزی آمده است هرکس در ارتش اخلال کند و یا اعتصاب راه بیندازد و یا کم کاری کند، باید شدیداً مواخذه شود " من دیگر بی نظمی در ارتش را به هیچ وجه تحمل نمی‌کنم. و هرکس در کار ارتش اخلال کند، بلافاصله به عنوان ضدانقلاب به ملت معرفی می‌شود تا ملت عزیز حسابش را با باقی مانده ارتش شاه جنایتکار روشن گرداند."

امام طوری صحبت می‌کند که گویا معترضین در ارتش جمهوری اسلامی همان " باقی مانده ارتش شاه جنایتکار" هستند. ما می‌پرسیم آیا پرسنل انقلابی ارتش که سوابق فصاحت بار فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی را انتشار داده‌اند، که پرونده فرماندهان جنایتکار ارتش را افشا کرده‌اند و با اعتراض خود خواستار تصفیه آنها شده‌اند، " باقی مانده ارتش جنایتکار" هستند، یا همان تیمسارهایی که هنوز تاج شاه روی دوششان است، که صدها جنایت کرده‌اند و به پادشاه آن از دست شاه درجه گرفته‌اند؟ مگر درجه‌دارانی که در دانشگاه تحصن کرده بودند چه می‌خواستند و چه می‌گفتند؟ آنها می‌گفتند: " مردم بهوش باشید، فرماندهان خائن در فکر کودتایند"

آنها می‌گفتند که فلاحی‌ها و علوی‌ها وابسته به امپریالیسم و دست پرورده ارتش جنایتکار شاه

ارتش از مردم جدا باشند، از درد مردم بی‌خبر باشند، سربازان درجه‌داران و افسران حینز سیاسی نشوند، چون در غیر این صورت به روی زحمتکشان آتش نمی‌کنند، چون در غیر این صورت به مزدور سرمایه‌داران بدل نمی‌شوند.

چرا به جای اعتماد به سربازان و درجه‌داران و افسران حینز میهن پرست که از صمیم قلب دشمن شاه و امپریالیسم آمریکا هستند و در عمل هم به اثبات رسانده‌اند، امروز به ظهیرنژادها فلاحی‌ها باقری‌ها، شاکرها و سایر نوکران شاه اطمینان می‌شود؟ چرا عدم اطاعت از این فرماندهان را بی نظمی و نا امنی می‌گویند؟ چرا درجه‌داران و افسران میهن پرست ضدانقلابی شده‌اند اما کسانی که سینه مردم را سوراخ سوراخ می‌کردند و می‌کنند انقلابی و حافظ امنیت از کار درآمده‌اند؟ چرا قاتلین هفتاد هزار شهید باید هنوز در راس ارتش باشند؟ چرا درجه‌داران، سربازان و افسران میهن پرست باز هم باید به همان مقرراتی گردن نهند که تیمسارهای ارتش شاه طبق همان مقررات هفتاد هزارتن از جوانان ما را کشتند و صدها هزار نفر را زخمی کردند؟

بند پنجم پیام می‌گوید: " مردم هر شهر به محض اطلاع از اعتصاب هر کارخانه خود را به آنجا برسانند و ببینند آنان چه می‌گویند. باید ضدانقلاب را شناسائی و به مردم معرفی نمایند. مردم شریف ایران دیگر نمی‌توانند حقوق بی جهت به عده‌ای از خدایی خبر بدهند. " و بند هفتم نیز می‌گوید: " هرکس در هر اداره‌ای خواست اخلال کند، او را اخراج و به ملت معرفی نمایند."

اینها عین کلماتی است که در پیام آمده است در اینجا طوری صحبت شده که گویا هر کارگر

که مردم را سرکوب می‌کنند که صدای خلاق را خاموش می‌کنند. اگر از مردم بهرسم خواهند گفت که طبقه سرمایه‌دار و حامیان سرمایه‌داری ضدانقلاب هستند. آنها که فقر، بیکاری و گرانی را به مردم تحمیل می‌کنند، ضدانقلاب‌اند نه کسانی که علیه ستمگری و استثمار مبارزه می‌کنند. کارگران و زحمتکشان بیپسوده اعتصاب نمی‌کنند. علت اعتصاب و کم کاری مقرراتی است که می‌خواهد مثل گذشته حقوق دمکراتیک مردم را نادیده بگیرد و خون زحمتکشان را به شیشه کند. کارفرمایان و سرمایه‌داران به میل خود کارگران را از کارخانه بیرون می‌کنند، تولید را به هزار بهانه پائین می‌آورند تا کارگران را بیکار کنند تا مزد را نپردازند. آنها می‌خواهند مثل گذشته با کارگران رفتار کنند و نظام تحقیر و تبعیض آریامهری را در کارخانه زنده کنند. با این اوضاع چه انتظار دارید؟ انتظار دارید کارگر بگوید: " زنده باد حکومت؟ " آیا کارگری که برای سیر کردن شکم فرزندان خود از بام تا شام کار می‌کند، ضدانقلاب است یا سرمایه‌دارانی که حق کار کردن را از او سلب کرده‌اند، گرانی کمرشکن را به او تحمیل کرده‌اند و می‌خواهند حق نفس کشیدن را نیز از او بگیرند؟

کسانی که فتوادل‌ها را مسلح می‌کنند، کسانی که دسته‌های چماقدار اجیر می‌کنند و به اجتماعات مردم حمله می‌کنند کسانی که باندهای سیاه را سازمان می‌دهند، کسانی که طرف سرمایه‌دار را گرفته‌اند، کسانی که زندانیان سیاسی را، رهبران خلق ترکمن را ناجوانمردانه ترور می‌کنند، کسانی که دست به هر جنایتی می‌زنند تا مبارزات مردم را به شکست بکشاند. اینها دشمن مردم هستند اینها ضد انقلاب هستند نه کارگران زحمتکشی که به اجحافات سرمایه‌داران و مفت خوری آنها اعتراض می‌کنند.

اگر اقتصاد ایران آشفته است، اگر گرانی هست، اگر بیکاری هست، اگر قحطی هست، گناهش به گردن کارگران نیست. اگر باور نمی‌کنید به کشورهای سوسیالیستی نگاه کنید که مردم حکومت سرمایه‌دار و نظام سرمایه‌داری را سرنگون کرده‌اند، کشورهای که در آنجا از این فجایع خبری نیست. آیت الله خمینی در بند ۸ و ۹ پیام نوروزی گفته‌اند: " مصادره اموال متجاوزین به کلی از طرف افراد غیر صالحه شدیداً محکوم است " هیچ کس حق تجاوز به زمین و یا مسکن و یا باغ کسی را ندارد. "

علت صدور این فرمان آن بوده است که خانه بدوشها، آلونک نشینان بی خانمان با عزمی انقلابی فشار آورده‌اند که هزاران آپارتمان میلیونرها که پولشان از پارو بالا می‌رود باید فوراً مصادره شود و در اختیار کسانی که خانه ندارند، قرار گیرد. وقتی مردم دیدند دهها هزار خانه را یکسال است که خالی نگاهداشته‌اند و به بهانه‌های شرع و قانون و در واقع به خاطر حفظ حرمت مالکیت سرمایه‌داران، اجازه نداده‌اند صدها هزار مردم که توی بیغوله‌ها و دخمه‌ها زندگی می‌کنند در این خانه‌ها ساکن شوند، مردم خودشان دست به کار شدند و شروع به اشغال قهری این خانه‌ها کردند. مردم می‌گویند این کدام شرع و کدام قانون است که به ما می‌گوید چله زمستان و جهنم تابستان را باید در بیابان سرکنیم و سرمایه‌دار هزاران خانه را احتکار کند مردم قانونی را قبول دارند که قانون فقر و بی خانمانی آنها نباشد قانون ظلم و ستم سرمایه‌داری نباشد. امروز دهقانان صدها هزار هکتار زمین زمین‌داران بزرگ را مصادره کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۳

● اعتراض طبقه کارگر، اعتراض انقلابی است. اعتراضی به حق است. این سیاست‌های شورای انقلاب است که مردم را به اعتراض واداشته، مردم ضدانقلابی نیستند. کسانی ضد انقلابی‌اند که مردم را سرکوب می‌کنند که صدای خلق را خاموش می‌کنند.

اعتصابی ضدانقلاب است و حقوق بی‌جهت می‌خواهد و به مردم توصیه می‌شود که حساب کارگران اعتصابی را برسند. چطور انتظار دارید کارگرانی که در زندگی خود بعد از سالها کار هنوز هم هیچ چیز ندارند به جز دو دست برای کار کردن برای سرمایه‌دار و اگر یک روز کار نکنند، زحمت نکشد گرسنه می‌ماند، حق ندارند علیه این نظام جابرانه سرمایه‌داری اعتراض کنند؟ چگونه انتظار دارید کارگرانی که از گرانی سرسام آور، از گوشت کیلویی ۶۰ تومان، مرغ کیلویی ۳۰ تومان، از قحطی و بیکاری جانیشان بر لب آمده، کارگرانی که از ولع و طمع سیری ناپذیر سرمایه‌دار جانیشان به لب آمده ساکت بنشینند، کارگرانی که به خاطر زدن حرف حق می‌خواهند از کارگاه اخراجشان کنند، کارگرانی که شورای واقعی تشکیل می‌دهند، کارگرانی که خواستار اخراج عناصر مشکوک و عوامل رژیم شاه و ساواک از کارخانه هستند و وقتی دولت و حکومت هم به هیچ وجه گوش به حرف آنها ندهد، حق دارند اعتراض کنند و باید اعتراض کنند. اعتراض طبقه کارگر اعتراض انقلابی است. اعتراضی به حق است. این سیاست‌های شورای انقلاب است که مردم را به اعتراض واداشته مردم ضدانقلابی نیستند. کسانی ضدانقلابی‌اند

هستند به همین خاطر اعتصاب کرده بودند. حالا کسانی که برای تصفیه ارتش از لوث و جنایتکاران دست پرورده رژیم شاه به اعتراض برخاسته‌اند و سربازان و درجه‌داران انقلابی که دیگر زیر بار ظلم و جور فرماندهان نمی‌روند و دیگر حاضر نیستند به روی مردم آتش کنند، ضدانقلابی، اخلال‌گر و باقی مانده ارتش جنایتکار شاه معرفی می‌شوند. سربازان و پرسنل انقلابی که در پادگان‌ها هستند، هم خودشان را خوب می‌شناسند و هم نفر به نفر این فرماندهان را می‌شناسند. آنها خوب می‌دانند که باقی مانده ارتش جنایتکار شاه کیست! فرماندهان ارتشی یا سربازان و درجه‌داران انقلابی؟

آیا هر اعتصابی در ارتش بد است؟ آیا وقتی تیمسار علوی‌ها در راس ارتش هستند، باز هم پرسنل مبارز ارتش نباید حق اعتراض داشته باشد؟ آیا پرسنل ارتش نباید بگویند: " مردم بهوش باشید، فرماندهان خائن در فکر کودتایند " آیا هرکس که به وجود طرفداران شاه و امپریالیسم ارتش اعتراض کند، ضدانقلابی است و باید از ارتش اخراج شود؟ تمام تلاش طبقه سرمایه‌دار ایران و امپریالیسم آمریکا و شاه جنایتکار آن بوده است که توده‌های

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه میکنند



جنایتکارانی که نمی‌توانند شاهد وحدت خلقهای ایران و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی آنها باشند، مثل سال گذشته بهار زحمتکشان کردستان را به خون کشیدند و با قتل عام تمام کودکان و زنان و مردان کهنسال در قله‌تان، صفحه سیاه دیگری بر جنایات ننگین خود افزودند.

همه آنها که قلبشان برای رهایی زحمتکشان میهن می‌تپد، با تمام وجود عاملین این جنایت هولناک را محکوم

دولت ضمن عدم پذیرش مذاکره با نمایندگان خلق کرد و در پیش گرفتن سیاست دفع الوقت، می‌خواهد جنگ خونین و گسترده دیگری را علیه خلق کرد تدارک ببیند. اما خلق قهرمان کرد آگاه‌تر، استوارتر و مصمم‌تر از گذشته همه این تلاش‌ها را درهم خواهد شکست.

می‌کنند و از خلق قهرمان کرد در مبارزه عادلانه‌اش دفاع می‌کنند.

مسئولین این قبیل جنایات را باید در کجا جستجو نمود؟ چگونه و با چه انگیزه‌ای می‌توان مردم بی سلاح را با تبر سر برید و آنگاه بدان نام مانور ارتش در منطقه را داد؟ آنها که دست جلادان قارنا را در منطقه بازگذاشته و از معرفی آنها خودداری می‌کنند، آنها که جلادان قارنا را در راس ارتش و در راس امور گذاشته‌اند آنها که فرزندان دلاور خلق ترکمن را مخفیانه تیرباران کردند و عملیات باندهای سیاه را حمایت می‌کنند، زمینه را برای قتل عام مردم قله‌تان فراهم نمودند.

مسئولین این جنایت را نه در میان " پاسداران معبودی " بلکه باید در میان کسانی جستجو نمود که علیرغم شکست‌های گذشته، جنبش مقاومت خلق کرد را نادیده انگاشته و تاکنون حتی حاضر به مذاکره با نمایندگان واقعی خلق کرد (هیئت نمایندگی خلق کرد) نشده‌اند. و با در پیش گرفتن سیاست دفع الوقت تحمیل جنگ دیگری به خلق کرد را تدارک می‌بینند و هم اکنون آن را آغاز کرده‌اند مردم سراسر میهن باید جنگ‌افروزان واقعی و عاملین این جنایت ننگین در کردستان را بشناسند.

در هفته‌های گذشته در مناطق کردنشین اطراف

توسط ارتش و پاسداران فاجعه قارنا ...

ارومیه (ترکور و مرگور) از جانب برخی فتوادل‌های منطقه نظیر رشیدبگ، خورشیدبگ و احمدبگ که مورد حمایت کامل ژاندارمری می‌باشند، تحریراتی علیه دهقانان زحمتکش و پیشمرگه‌های مستقر در این مناطق آغاز گردید که در پیگ مورد باعث درگیری گردید. ولی هوشیاری نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد از گسترش آن جلوگیری نمود. در روزهای اخیر بار دیگر اعمال تحریک آمیز مزدوران وابسته به فتوادل‌ها و ژاندارم‌ها، شدت یافت که در جریان آن چند پیشمرگه توسط جاشها اسیر می‌شوند.

ادامه اینگونه حرکات از جانب فتوادل‌ها و ژاندارمری، دانه تشنج و درگیری در منطقه را گسترش بخشید که در نتیجه آن پاسگاه سی‌کانیان و چند پاسگاه دیگر منطقه که تبدیل به پایگاه اصلی فتوادل‌ها و مزدوران آنها شده بود، توسط پیشمرگه‌های قهرمان، خلع سلاح گردید.

در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۵۹ ضدانقلابیون وابسته به حزب خلق مسلمان در نغده به رهبری " معبودی " ساواکی معروف که همواره حفوظ موجودیت خود را در گرو جنگ افروزی در منطقه می‌بایند، به همراه دو ستون ارتش، سپاه پاسداران و ژاندارمری به طرف اشنویه حرکت و تا قله‌تان که یکی از مقرهای حزب دمکرات در آن قرار داشت، پیشروی می‌کنند که روستای مزبور از پیشمرگه‌ها و مردم تخلیه می‌شود و تنها تعدادی کودک و زن و پیرمرد در آن باقی می‌مانند.

روز بعد پاسداران معبودی، به همراه ارتش به قله‌تان حمل می‌کنند و پس از تصرف روستای تخلیه شده، به فجیع ترین شکل ممکن به قتل عام اهالی می‌پردازند. چند نفر که از خانه خود بیرون آمده بودند، توسط تانکهای ارتش له می‌شوند و تعدادی دیگر از مردم به ریه تیر به شهادت می‌رسند. پس از قتل عام مردم توسط پاسداران و ارتش در تاریخ ۷ فروردین ۵۹، قله‌تان توسط توپخانه ارتش ویران گردید. این است مفهوم واقعی آنچه که بدان نام مانور ارتش جمهوری اسلامی در منطقه را داده‌اند.

طی ماههای اخیر مبارزات دهقانان زحمتکش و خوش

نشینان به خاطر مصادره اراضی بزرگ مالکان در سراسر کردستان شدت یافته است.

سیاست سازمان ما بر این قرار دارد که از مبارزات خوش نشینان و دهقانان زحمتکش به خاطر نابود کردن سلطنته فتوادل‌ها و زمین‌داران بزرگ در منطقه فعالانه حمایت نموده و با گسترش مبارزه طبقاتی زحمتکشان، مبارزه در راه کسب خودمختاری در کردستان را در جهت منافع زحمتکشان خلق کرد و به سود اهداف تاریخی طبقه کارگر ایران هدایت نماید. اکنون در تمام مناطقی که ارگان‌های دولتی حاکمیت دارند، فتوادل‌ها و ایادی وابسته به آنها، از جانب ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران مورد حمایت قرار گرفته و آنها را علیه جنبش مقاومت خلق کرد مسلح نموده‌اند. امری که حقگو استنادار آذربایجان غربی به عبث تلاش در پنهان ساختن آن دارد. روستائیان منطقه اشنویه و نغده در روزهای گذشته شاهد بودند که چگونه هنگامی که دهقانان زحمتکش در روستای " چپانه " تصمیم به مصادره اراضی بهمین خان خسروی گرفتند، سپاه پاسداران به بهانه ممانعت از درگیری به مخالفت با عمل انقلابی دهقانان برخاست و بهمین‌خان را مورد حمایت قرار داد و اکنون نیز بهمین‌خان خسروی، امیر فلاح و معبودی ساواکی و مسئول حزب خلق مسلمان در نغده، با همکاری ارتش و پاسداران، تلاش می‌کنند دانه جنگ را هرچه بیشتر گسترش بخشند.

در جنوب کردستان نیز جاشهای وابسته به مفتی زاده و مزدوران همه‌چاوه و عبه‌پاره و سایر دسته‌های وابسته به فتوادل‌ها و مرتجعین محلی تحت عنوان پیشمرگان مسلمان سازمان یافته‌اند و ارتش و سپاه پاسداران توسط آنها تحریرات وسیعی را در مناطق کامیاران، پاوه، نوسود و بیجار... آغاز کرده‌اند و علاوه بر این از رسیدن سوخت و مواد غذایی به این مناطق جلوگیری می‌نمایند. ارتش تحت پوشش مسخره مانور نظامی نقل و انتقالات گسترده‌ای را آغاز نموده و در مناطق مستقر شده به ایجاد سنگرهای جدیدی دست زده است.

موضع‌گیری‌های اخیر هیئت حاکمه و در راس آن بنی‌صدر در مورد کردستان، تبلیغ روی شد اراده متحد خلق کرد را درهم شکنند! جهت‌گیری‌های هیئت حاکمه نشان می‌دهد که تلاش برای افروختن آتش جنگ در کردستان و سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد هر روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد زیرا در شرایط تداوم بحران اقتصادی و سیاسی و گسترش مبارزه طبقاتی پرولتاریا و سایر زحمتکشان در سراسر ایران و رشد روزافزون نیروهای انقلابی و دمکراتیک وجود توده‌های مسلح در کردستان و رابطه و تاثیر متقابل آن بر روی کل جنبش که نتیجه طبیعی آن عمیق یافتن هرچه بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی توده‌هاست، برای حاکمیت به هیچ وجه قابل تحمل نیست.

حاکمیت، امروز در کردستان

با بن بست روبرو است. از طرفی ظرفیت محدود تاریخی‌اش به وی اجازه نمی‌دهد که از طریق بهرسمیت شناختن حق خودمختاری خلق کرد، مسئله را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل کند و از جانب دیگر با توجه به عمق بحران موجود و درهم ریختگی ارتش راه حل نظامی نیز از قبیل محکوم به شکست است و هر گاه به چنین ماجراجوئی‌ای دست بزند، عواقب و پي‌آمدهای آن با توجه به شکست حتمی ارتش، بسیار قابل تعمق و بررسی است. صف‌بندی نیروها نشان می‌دهد که این بار برخلاف گذشته جنبش مقاومت خلق کرد از پشتوانه مادی و معنوی در سراسر ایران برخوردار است که برای هیئت حاکمه سرکوب آنها در موقعیت کنونی امکان‌پذیر نیست.

با توجه به ساخت طبقاتی جامعه ایران، هر روز بهتر از قبل روشن می‌گردد که هیچ نیرویی به جز طبقه کارگر قادر به حل ریشه‌های بحران موجود که ناشی از تداوم وابستگی میهن ما به امپریالیسم می‌باشد، نیست و سرنوشت خرده‌بورژوازی جز شکست در مبارزه ضد امپریالیستی نمی‌باشد. حل مسئله خلقها و تامین منافع واقعی زحمتکشان جامعه تنها توسط طبقه کارگر

ما ضمن محکوم کردن جنگ افروزی‌های هیئت حاکمه از مبارزه عادلانه خلق کرد قاطعانه دفاع نموده و از همه نیروهای انقلابی می‌خواهیم با حمایت فعال از خلق قهرمان کرد، صف نیروهای ضدامپریالیست را هرچه بیشتر تحکیم بخشند.

امکان پذیر است و این واقعیتی است که توده‌ها در تجربه عملی خود هر روز به آن نزدیک‌تر می‌شوند. طبقه کارگر ایران بیش از هر نیروی دیگری در دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد ذینفع است زیرا ادامه موجودیت جنبش مقاومت در کردستان در حفظ نهادهای دمکراتیک جهت آگاهی و تشکل طبقه کارگر، نقش اساسی دارد. بدین لحاظ ما ضمن محکوم ساختن جنگ افروزی‌های هیئت حاکمه در کردستان، قاطعانه از مبارزه عادلانه خلق کرد دفاع نموده و از سایر نیروهای هوادار طبقه کارگر و دمکراتهای انقلابی می‌خواهیم با حمایت فعال از خلق قهرمان کرد، صفوف نیروهای ضدامپریالیست و دمکراتیک را استحکام بخشند.

پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیش‌تاز مبارزات ضدامپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

رئیس جمهور و "اوضاع مناسب"

درسخرانی آقای رئیس جمهور به مناسبت ملی شدن نفت که در ۲۹ اسفند ۱۳۵۸ از تلویزیون پخش شد، ایشان ضمن ایراد سخنانی اشاره کردند که ما میلیاردها دلار در بانکهای خارجی ذخیره داریم و با وجودیکه سالانه در اثر تورم مبالغی قابل توجه از ارزش این ذخایر کاسته می شود، ما نمی توانیم از آنها برای ایجاد کارخانه

اقتصاد مملکت را با استفاده از به اصطلاح ابتکار خاص خود به راه اندازیم. ما به بیم که این ابتکار خاص شما چیست که اینقدر از آن نزد مردم تعریف و تمجید می کنید و اینهمه به خود دسته گل تقدیم می دارید. آخر آقای رئیس جمهور ما اعتقاد داریم آنچه راکه شما به عنوان ابتکار خاص خود به مردم ما حفته می کنید، چیزی جز فرمولهای کهنه شده ای استادان

استثمار و بهره کشی مقاومت می کنند، سرمایه دار احساس ناامنی می کند و اقدام به انتقال سرمایه خود به خارج و کاهش سرمایه گذاری خود در داخل می کند. طبق این منطق باید نخست مردم را به هر عذر و بهانه ای خلع سلاح کرد که شما دارید شرایط آن را فراهم می کنید. برای ایجاد شرایط مناسب آقای رئیس جمهور، شما

درجه داران و مهربازان انقلابی را به اطاعت از مافوق می خوانید و در همان حال در بازسازی ارتش و استفاده از افسران ضد مردم، فرماندهی شتاب به خرج می دهید. گروه های تروریستی که پوشش مذهبی به خود داده و همچون ساواک سازماندهی و اداره می شوند، تحت رهبری مقامات عالیه مملکتی سازمان داده می شوند و هر روز عملیات چماق داران و مامورین گشتی ساواک آریامهری را تجدید می کنند. تنها در زبان مورد انتقاد شما قرار می گیرند در حالی که رهبران مزدم ترکمن صحرا را محکوم به اعدام می دانید. شرایط و اوضاع مناسب برای سرمایه داران با توجه به آگاهی مردم ایران اعم از کارگران، دهقانان، عناصر انقلابی و نیروهای مسلح (سربازان و درجه داران) جز با کشتاری وسیع ممکن نیست که صد البته مردم ایران و نیروهای انقلابی حاضرند صدها هزار شهید بدهند اما دیگر اوضاعی که ۳۵ میلیون ایرانی را به برده تبدیل می کند و سرمایه داران و دستگاه های سرکوب را بر جان و پدید نیاید.

خوب آقای رئیس جمهور، انصاف دهید هر نوجوان دبیرستانی اگر اندکی از اقتصاد اطلاع داشته باشد، می داند که ابتکار خاص شما چیزی جز فرمول کهنه شده ای اقتصاد دانهای سرمایه داری نیست! شرایط و اوضاع مناسب برای سرمایه داران این است که کارگران همچنان در فرمانبرداری محض از مدیران و کارفرمایان خود به سر برند و از هرگونه اعتراض نسبت به شرایطی که طی آن مورد استثمار و غارت قرار می گیرند، منع شوند. شرایط و اوضاع مناسب برای بقیه در صفحه ۷

به نسبتی که کارگران و سایر زحمتکشان شهروده در برابر استثمار و بهره کشی مقاومت می کنند، سرمایه دار احساس ناامنی می کند.

در داخل استفاده کنیم زیرا نمی گذارند اوضاع مناسب به وجود آید. اولاً آقای رئیس جمهور! شما که نمی توانید پول نفت خام فروخته شده استفاده کنید، چرا و به چه دلیل با وجودی که هر چه دیر تر نفت بفروشید، به حکم وضع بازار جهانی نفت گران تر خواهید فروخت، باز هم کماکان نفت خام صادر می کنید و پول آنرا در بانکهای کشورهای سرمایه داری امپریالیست ذخیره می کنید؟ شایب نمی خواهید انحصارات نفتی،

شرایط و اوضاع مناسب برای سرمایه داران این است که کارگران و زحمتکشان همچنان در فرمانبرداری از نظام سرمایه داری باقی بمانند و دست از پا خطا نکنند.

صنایع حمل و نقل اروپایی، امریکائی و ژاپنی از آن صدمه بینند؟ آیا کاهش بحران امپریالیست ها را به سود مردم ما می دانید، آنهم در حالیکه رهبران امپریالیسم امریکا با استفاده از وابستگی صنایع ایران فراهم آوردن زمینه شرایط رهبری یک کودتای شبه رضاخان و پاکودتای ۲۸ مرداد را در داخل تدارک می بیند؟ شما عدم توانائی خود را در ایجاد کارخانه ها عدم وجود اوضاع مناسب ذکر می کنید، منظور چگونه وضعی است؟ اگر آنطور که بارها در نطق های متعدد خود ذکر کرده اید، می خواهید چرخ

توضیح و تصحیح خبر کشتارگاه

در شماره ۵۰ کار، خبری درباره مبارزه کارگران کشتارگاه درج شده بود که در آن اشتباهاتی وجود داشت. با بوزش از کارگران مبارز و زحمتکش کشتارگاه خبر مذکور را به صورت زهر تصحیح می کنیم. حرکت اعتراضی در جهت اخراج مدیر عامل سابق مربوط به "کارگران کشتارگاه" نبوده بلکه در رابطه با کارگران سردخانه و شهرداری کشتارگاه (وابسته به شهرداری) بوده است. همچنین رقم مابه التفاوت ۱۰۰۰۰۰ تومان و مبلغ پول لباس ماهانه هرنفوس ۲۰۰ تومان بوده و رقم اضافه کار هم که از حقوق کارگران حذف شده بود، از هرنفوس ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان بوده است. ضمناً کارگران موفق به افشاء و اخراج رئیس حسابداری کشتارگاه (مدیر عامل) بوده، نیز می شوند.

توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریکهای فدائی جلیو ایران همواره تنفیها به حمایت مردم قهرمان ایران بکینه داند و امروز هم مانند همیشه منکی تریشتیانی هواداران است. کمکهای مالی خود را از طریق که می شناسید و اطمینان دارید، به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمونه ها سی دیده شده است که عده ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع آوری کمکهای مالی مبادرت کرده اند. به دوستان و رفقا توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمکهایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد که خود شما انتخاب کرده اید، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید. سازمان "کد" و مبلغی را که پرداخت کرده اید، همراه با حزب اول نام شما، در نشریه "کار" به چاپ می رساند. به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی تان به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که این رابطه به هیچ وجه نباید یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد. ما از هم میهنان مبارز می خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شود.

کمکهای مالی دریافت شده

شماره	نام	مبلغ	تاریخ	ملاحظات
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰



پیش نویس قانون جدید تأمین اجتماعی یا رونوشت قانون تأمین اجتماعی رژیم شاه

(قسمت اول)

رئیس جمهور و اوضاع ...

بقیه ز صفحه ۶
سرمایه داران یعنی اینکه فریاد حق طلبانه کارگران و زحمتکشان برای کار، نان، مسکن و آزادی صدای "ضدانقلاب" نامیده شود و به نام مردم و به دست ارتش آنها خاموش کنید!
شرایط مساعد برای سرمایه داران یعنی اینکه مبارزات دهقانان و زحمتکشان روستا، با توپ و تانک فرماندهان ارتشی که مورد حمایت شماس است، سرکوب شود، خانه های ایشان ویران گردد و آواره ولایت غربت گشته و به خاک و خون کشیده شوند.

آقای رئیس جمهور شما نمی توانید مسئولیت گرسنگی، بیکاری، بی مسکنی، گرانسی، بی درمانی و بیسوادی میلیونها عراز هم میهنان زحمتکش ایرانی را با توجه به اینکه یک سال از قیام می گذرد و میلیاردها دلار از فروش نفت خام به امپریالیست ها در بانکهای امپریالیستی دحیره کرده اید، به گردن دیگران بیدازید.
در حالیکه میلیون ها تن بیکار بیمار، گرسند و بی خانه هستند، شما آقای رئیس جمهور چطور جرأت می کنید از میلیاردها دلار اندوخته ارزی در بانکهای امپریالیستی صحت کنید و عدم به کار بردن آن را در جهت رفع مشکلات مردم، نبودن اوضاع مناسب ذکر کنید!

دخیره کردن پول نفت در بانکهای امپریالیستی و کاهش مداوم قیمت آن، بزرگترین خیانت به منافع زحمتکشان و همه مردم ایران است.
تنها دشمنان مردم ما شرز انقلابی و مبارزات حق طلبانه مردم ایران را مسئول ناامنی و گرانسی و بیکاری قلمداد می کنند؟
مسئول نابسامانی ها زحمتکشان نیستند. آنان فریبانیان سرمایه داری هستند. آنان استقلال، کار، مسکن و آزادی می خواهند و درست هم تشخیص داده اند که امنیت کذائی شما تنها فقر و بیکاری و خانه بدوشی بیشتر آنها را در پی خواهد داشت. امنیت سرمایه داران یعنی بی خانمانی و عدم امنیت کارگران و زحمتکشان.

است که امپریالیسم چپاولگر انگلیس دولتش را "دولت رفاه عامه" معرفی می نماید. قوانین بیمه های اجتماعی هم اکنون عرصه شمول وسیع تری یافته و دیگر منحصر به محیط کارگاهها نیست و جنبه اجتماعی تری یافته است ولی این "قانون اجتماعی" از نظر کیفی همان ادامه و گسترش آئین نامه های کارگاهی است که شمول اجتماعی پیدا کرده است و اما آنچه که در رابطه با قانون تأمین اجتماعی برای کارگران و زحمتکشان ایران مطرح است، در وضعیت کنونی در چهارچوب تحلیل و افشای پیش نویس قانون تأمین اجتماعی مفهوم می یابد.
سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به ادعای خود طی ۶ ماه کوشش و رحمت گروهی از صاحب نظران برای تهیه "قانونی" کاملاً بی عیب و نقص سرانجام پیش نویس قانون جدید را تهیه کرده و برای "نظرخواهی" نهائی ارائه داده است. اما آنچه که این "صاحب نظران" پس از ۶ ماه "زحمت" عرضه کرده اند، چیزی نیست جز همان قانون تأمین اجتماعی پیشین که بازنویسی شده و با پس و پیش کردن چند ماده و تصریح و حذف و اضافه کردن چند ماده و اصلاحاتی حریفی، بار دیگر مطرح شده است. از مجموع صد و نوزده ماده ای که تدوین شده، متجاوز از صد ماده عیناً همان مواد قانون آریامهری است و تنها چند ماده تغییر یافته که اغلب این تغییرات هم در رابطه با مقررات و روش های اجرائی قانون است، نه محتوای کلی آن.

بررسی این پیش نویس نشان می دهد که مسئولین وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی، کوچکترین تلاشی در جهت دست اندازی به ساحت "مقدس" قوانین سرمایه داری را جایگزین ندانسته اند و خام اندیشان تصور نموده اند که با بازنویسی قانون ارتجاعی پیشین و گنجاندن چند تغییر جزئی و تغییر عنوان آن از قانون تأمین اجتماعی شاهنشاهی به "قانون تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی" می توانند کارگران و زحمتکشان را که سالها تحت تبعیض و ستم این قانون ضد کارگری بوده اند، فریب دهند. این قانون نیز مثل ارتش و مثل ساواک و مثل ادارات دولتی فقط رنگ عوض کرده است.

غیرواقعی و فریبکارانه دارد. نه تنها این قانون بلکه تمامی قوانین حاکم بر نظام سرمایه داری، صرف نظر از اینکه عنوان "اجتماعی" داشته باشد یا خصوصی، چیزی جز انعکاس منافع یک طبقه (سرمایه دار) بر محور مالکیت خصوصی بر ابزار تولید نیست. تأمین اجتماعی در واقع به مفهوم تأمین کل جامعه نیست، بلکه عملاً تأمین اجتماعی (طبقه اجتماعی) معینی است، یعنی طبقه سرمایه دار. امنیت و رفاه اجتماعی طبقات تحت ستم و استثمار با هیچ قانونی مفهوم واقعی نمی یابد جز با سرنگونی نظام سرمایه داری و قوانین آن. ولی مسئله تأمین اجتماعی کارگران در نظام سرمایه داری در رابطه با جزء به جزء حرکات اجتماعی کارگران نیز همواره مطرح بوده است. مبارزه کارگران و زحمتکشان در جهت تحقق حقانیت تاریخی شان همواره رو به گسترش داشته و در این راه قوانین حاکمه را ناگزیر به عقب نشینی و انعطاف نموده است.

مسئله قانون تأمین اجتماعی از دیدگاه طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار ما فهم متفاوتی دارد.

از نظر کارگران - در چهارچوب نظام سرمایه داری مسئله تأمین اجتماعی در رابطه با مبارزه برای بهتر کردن شرایط کار و تأمین خواستهای اقتصادی و اجتماعی ملموسش مفهوم می یابد.

از دیدگاه طبقه سرمایه دار مسئله قانون تأمین اجتماعی به دو صورت مطرح است:

۱- از نظر اقتصادی - او ضرورت بازسازی تولید و تأمین نیروی کار را می بیند، یعنی امکان ادامه استثمار را در این رابطه است که به شرایط و محیط کار در چهارچوب حداقل معیشت توجه نشان می دهد.

۲- از نظر سیاسی - طبقه سرمایه دار می کوشد دولت خود را با بهره گیری از چنین قوانینی (تأمین اجتماعی و...) به عنوان نماینده همه جامعه بنمایاند. با بهره گیری از همین شعارها و قوانین تأمین اجتماعی و "رفاه همگانی"

سعی می کنند به توده ها بقبولانند که: نوشتن قانون کار پیچیده ای است، هرکسی نمی تواند از آن سر در بیاورد این کار را به "صاحب نظران" و "خبرگان" واگذار کنید و کاری هم به کم و کیفش نداشته باشید. ولی توده های مردم علی رغم موعظه های "پدران" آنان واقعیت ها را تجربه می کنند. آنچه را که قانون کار آریامهری، بیمه آریامهری و... به آنها نشان داد، آنچنان با پوست و خونشان لمس کرده اند که اگر آن را در چهره ای دیگر ببینند بی اعتمادی بدان خواهند نگرست. این انبوه تجربیات ساده را نمی توان دست کم

مسئولین وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی، کوچکترین تلاشی در جهت دست اندازی به ساحت "مقدس" قوانین سرمایه داری را جایگزین ندانسته اند.

گرفت. این تجربه توده ها پشتوانه همبستگی و اتحاد بیشتر و تشکل آگاهانه تر است.

نمایندگان آگاه کارگران و زحمتکشان با اتکا به همین تجربه و تشکیلات می توانند مشت قانون نویسان شعبده باز را بکشایند. شرکت فعال نمایندگان واقعی و آگاه کارگران در تدوین قوانینی چون قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، طرح طبقه بندی مشاغل و... به "صاحب نظران" حامی سرمایه داری مجال آن را نمی دهد که منافع سرمایه داران را بیش از این حفظ نمایند. شرکت فعال تشکیلات واقعی کارگری در بررسی قانون تأمین اجتماعی و تدوین آن می تواند گام موثری در جهت ارزیابی انقلابی قوانین سرمایه داری و افشای ماهیت آن باشد. در این رابطه است که قانون تأمین اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. قانون تأمین اجتماعی بطور کلی در چهارچوب نظام سرمایه داری، اساساً مفهومی

سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی، پیش نویس برای قانون تأمین اجتماعی تهیه کرده که قبل از هر چیز حاوی جمیع صفات قوانین حاکم سرمایه داری است و ما در این مقاله آن را مورد بررسی و انتقاد قرار می دهیم. بررسی این قانون چیزی جز سند محکومیت آن را دربر ندارد چون چیزی جز رونوشت قانون تأمین اجتماعی رژیم گذشته نیست و لی ضرورت این بررسی بیشتر به خاطر آن است که این سند بعنوان یک "قانون انقلابی" مطرح می شود و از آنجا که با مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان سرو کار می یابد و مبارزه انقلابی باید با "قانون انقلابی" تکلیفش را روشن نماید، این بحث را لازم می دانیم.

قبل از بررسی مشخص این پیش نویس ذکر چند نکته درباره مختصات قوانین متعارف ضروری است. حقوق دانها معمولاً در تعریف مختصات قانون به این اصل تکیه می کنند که "قانون باید صراحت داشته باشد." اما معمولاً اکثریت قابل توجهی از آنان در خدمت منافع طبقات حاکمه، بیشترین استعداد و مهارت علمی و فنی شان را بکار می گیرند تا هر چه بیشتر قوانین را پیچیده تر، مبهم تر و تفسیر پذیرتر نمایند. حال چرا طبقه سرمایه دار قانون رادر قالب عباراتی دوپهلوی، مبهم و پیچیده بیان می نماید؟ چون باید استثمار، غارت، فقر، فلاکت و سرکوب توده ها را در پرده ابهام نگهدارد و به کمک دروغ آن را بیاراید. این دروغ که دولت سرمایه داری در واقع دولت همماست، منافع سرمایه داران با منافع زحمتکشان فرقی ندارد و دروغ های دیگر در قالب قوانین و آئین نامه های گوناگون به وسیله قانون دانان مزدور و چیره دست تهیه و تدوین می شود. قانونی که سرشار از تزویر و دروغ است، نمی تواند صراحت داشته باشد. ولی قانون حامی منافع زحمتکشان صراحت دارد. چون از حقیقت سخن می گوید و نیازی به تزویر و مبهم گوئی ندارد یعنی نیازی به دروغ گوئی چیره دست ندارد. سرمایه داران و حامیان آنها

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

اعتراضات وسیع مردم به انتخابات همچنان ادامه دارد

دوره اول انتخابات مجلس شورای ملی و اعلام نتایج آن توسط وزارت کشور به پایان رسید. با اعلام نتایج نهایی انتخابات، حزب جمهوری اسلامی با اعمال نفوذ، تقلب و هراقدامی که لازم دیده، اکثریت نمایندگان مجلس در دور اول را (که حدود سه چهارم کسلی نمایندگان را تشکیل می دهد) به خود اختصاص داد.

حزب جمهوری اسلامی بلافاصله پس از پایان انتخابات دور اول، طبعی اعلامیه‌ای نوشت:

"در روز آخرین امدادهای صداغلات به اس مدلل شد. در روز یکروز عادی که "بوم الله" بود، ملت نمایندگانی برگزیده که بران گویای حواسه‌های او باشد! انتخابات دور اول، حیطه پایایی کند بر همه سی فایوسی‌ها و آب سردی بود که بر خاکستر مشرده رنگ بریده صداغلات پاشیده شد."

گفت:

"رشد مردم تحسین برانگیز بود. کپانوری دسیرکل حزب تسوده نیز گفت:

"چه در شهرستان‌ها و چه در تهران انتخابات آرام قابل قبول و بدون عیب بوده است.

ولی در پناه این آرامش، تقلب بود و آنهم تقلب حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان آن در ارگان‌های دولتی از جمله وزارت کشور و اکثریت اسناداران فرمانداران، حشداران و غیره...

در مشهد برای کسب حمایت از روحانوسی که حاضر به تأیید کاندیداهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی نبودند، لیست اسامی کاندیداهای خود را به صورت کاندیداهای مفرد اعلام کرد و پس از جلب نظر روحانیون در حمایت کاندیداهای مفرد، حزب جمهوری اسلامی از این کاندیداهای که در واقع کاندیداهای حزب تسوده، حمایت نمود.

حزب جمهوری اسلامی حتی از شمار جمع رور انتخابات هم به نفع خود اسفاده کرد. در تهران پس از شمار جمع

در مجموع این تضحیقات بست به حقوق مردم و نیروهای مبارز و ترقیخواه "آرامش" حاکم بر انتخابات راه طوفانی از اعتراضات مدلل ساخت.

مردم سدج با راهیمانی و اعتصاب غذای ۱۲ ساعته خود در روز جمع انتخابات به جلوگیری از برگزاری انتخابات از جانب وزارت کشور اعتراض کردند.

در اقلید، فرورآباد و قیر و کاررس (شیراز) مردم علیه کاندیداهای مورد حمایت حکومت دست به اعتراض زدند. در رشت صن درگیری

تهرانی و استاد شریعتی به رئیس جمهور ارتقبات گسترده انتخابات حکایت می‌کرد. احمدزاده در تلگرام خود نوشت:

"توطئه‌های آماده شده در امر انتخابات از اولس ساعات صبح مرور نمرات خود را اسان داده و گذشته از اینکه اسناداران، فرمانداران و بخشداران که از قبل حساب شده و از اسگان به حزب مورد نظر اسباب شدند و اعصای اسمن‌های اصلی و فرعی را نیز از طریق کمیته‌ها و حزب و روحانیت واسسته برگزیدند. به این فایغ نشد و با کمال وفاحت و بشترمی نام کاندیداهای خود را روی کاغذ نوشته و در محل احد رای به دست مردم می‌دهدو می‌گوید که این اسامی کاندیداهای امام است...

نازرس وزارت کشورگوشی که برای حسن احرا، توطئه‌ها به مشهد اعزام شده است."

ایران و امددهای مردم ستمدیده وطن ما کداسه شده است.

همچس در تهران حجت الاسلام مروارید عضو جامعه روحانیت مبارز تهران به تقلب‌های حزب جمهوری اسلامی اعتراض کرد و گفت:

"اس کار ائتلاف بسیار کار ناپسندی بود."

و حدعه‌های آقای خامنه‌ای را در رد و سدهای ائتلاف برملا کرد.

رئیس دانشگاه صنعتی شریف با نامه‌ای به رئیس جمهور فضای انتخابات را "مسموم" نامد.

فروهر به خاطر تقلبات انتخاباتی از بست خود مستعفی شد، اما آیت‌الله خمینی، استعفاى او را سدرت.

خلاصه‌ایکه موج ناراضی و اعتراضات مردم و اکثریت کاندیدها از تمام شهرها و فصات بلند است. اسمن اعتراضات در مجموع بست به توطئه‌ها، تزویرها و تقلبات از جانب حزب انحصارطلب جمهوری اسلامی و دار و دسته حزبی آن یعنی ملاها، روسای کمیته‌ها و پاسدارها، اسناداران، فرمانداران، بخشداران، هیئت‌های نظار، سئولین حوزه‌ها و حتی تعدادی از امام جمعه‌های چند شهرستان و نیز رادپوتلویزبون بود.

آقای بنی صدر در برابرین موج اعتراضات، تلگرام‌ها و نامه‌های شکایت‌آمیز اظهار داشت که:

"بر اساس شکایات رسیده اگر بهینیم که تقلبات زیاد و جدی است، البته انتخابات باطل خواهد شد."

و در پاسخ به شکایت آیت‌الله پسندیده گفت:

"نمی‌توانم نسبت به عدم سلامت انتخابات لاقبید بنام و یقین بدانید در این باره با قاطعیتی تمام عمل خواهم کرد."

او حتی در همدان ضمن سخنرانی اش اعلام کرد:

"تا آنجا که بتوانم زیربار مجلس تقلمی نخواهم رفت."

ولی آقای رئیس جمهور با بیان این وعده و وعده‌ها مقصودی جز آب ریختن بر روی آتش خشم مردم نداشت آقای رئیس جمهور در روز اول فروردین و در مراسم اولسین شمار جمع سال نو حرف خود را پس گرفت و صریحا اظهار داشت:

"همانطور که امام عصر فرموده‌اند، اصل انتخابات را نباید لغو کرد و هر جا که

اعباد خدعه و نیرنگ‌های انتخاباتی نشان داد که طرح و برنامه‌ریزی آن مدتها پیش از برگزاری انتخابات آغاز شده بود. امکان تقلب و اعمال نفوذ از پائین‌ترین ارگان انتخاباتی تا بالاترین آن به نفع "ائتلافیون" از قبیل پایه‌ریزی شده بود.

اسحاسی یکی از حواسان هوادار سازمان محمد رسمی و در اصعبان حوان دیگری به اسام احمد کبیری به منل رسیدند.

در سحار ۱۲ تن از سئولان صدوق‌های اخدرای گروگان گرفته شدند و انتخابات در حدین حوزه اسحام نشد. در سربل نهاب اعصای اسمن بطارت از سمن‌های اسمن اسعفا دادند. در سیرجان سنی از ۵۵ نفر اهالی طی تلگرامی به آیت‌الله خمینی و رئیس جمهور به خاطر

لیست ائتلافیون سس توده‌های مردم بخش سئو حتی از جانب عوامل آن علیه گروه‌های انقلابی و افراد مبارز شعار داده شد. در تبریز اسام جمع کبیری در مراسم شمار صن سان خطبه‌های خود علیه سروهای مغزی بخش گفت و در همدان امام جمعه اس شهر صن خطبه‌های عار کاندیدای مورد حمایت خود را مرمی کرد...

یکی دیگر از شکرده‌های حزب جمهوری اسلامی که از کمال وزارت کشور و منصوب

اعباد این حدعه و سرگها نشان داد که طرح و برنامه‌ریزی آن مدتها پیش از برگزاری انتخابات آغاز شده بود. بطور مثال بنا به تصمیم اعصای اسمن نظارت مرکزی سس انتخابات، قرار بر این بود که اعضای نظارت بر احد آرا (که مهم‌ترین بخش و هسته اولیه سسمن انتخاباتی را تشکیل می دهد) توسط معتمدین محل از افراد "صلاحستار" و "سبطرف نسبت به حرانبات سیاسی" انتخاب شود ولی این تصمیم نقض و عملا اعصای

تصمیم رئیس جمهور دایر بر تشکیل هیئت ۷ نفره برای تهیه گزارش تخلفات انتخاباتی بیشتر برای خالی نبودن عریضه و خاموش کردن اعتراضات مردم است.

کوشش بنی صدر برای جور کردن ترکیب مجلس به سود سیاست‌های خویش مضمون اصلی اعتراضات او را تشکیل می دهد.

اقدامات فرصت طلبانه و انحصارگرا نه حزب جمهوری اسلامی در تقویم انتخابات سیرجان اعتراض و اسناداران کرمان که طی سعری به سیرجان (به بهانه گشایش تلفن خودکار) به نفع کاندیدای حزب جمهوری اسلامی تبلیغ نموده بود. شکایت کردند.

در تبریز یکی از نمایندگان وزارت کشور و بازرسان انتخابات استان آذربایجان شرقی به علت اعتراض به تقلبات، از جانب فرماندار تبریز، امام تبریز، اسناداران آذربایجان شرقی و روسای اسناداران در زمینه دریافت کارت بازرسی (از طریق فشار و سعارشات) از بازرسی انتخابات برکنار می‌شود. سازمان و مجاهدین انتخابات تبریز را مخدوش و باطل اعلام کردند.

در مشهد موج اعتراضات مردم و تلگرام‌های متعدد طاهر احمدزاده، شیخ علی

آن در شهرستان‌ها عمل میکرد این بود که کاندیداهایی که از جانب سازمان ما معرفی شده بودند و احتمال زیادی رفت که در انتخابات پیروز شوند، حذف گردیدند و لسی در شهرهایی که این احتمال صعیف بود، اکثر در لیست باقی ماندند. کاندیدای سازمان ما در رامهرمز، ابتدا از لیست کاندیدها حذف شد و چون هواداران ما مصمم شدند به کاندیدای مجاهدین در این شهر رای دهند، بسیاری جلوگیری از بالا رفتن کاندیدای آنان، دوباره نام کاندیدای سازمان وارد لیست شد. با این وجود حساب آنان علطار آب درآمد و در شهر رامهرمز نمانده‌ها حاکم اکثریت آراء شد ولی جز حزب جمهوری اسلامی ما توجس به سبوا دی مردم روستاهای حومه رامهرمز و تقلب مانع ورود کاندیدای ما به دور دوم گردید...

حوزه‌ها توسط کمیته‌ها انتخاب شدند. بر این اساس امکان تقلب و اعمال نفوذ از پائین‌ترین ارگان انتخاباتی به نفع "ائتلافیون" پایه‌ریزی شد و از سوی دیگر با راه تعرفه‌های فاقد شماره مسلسل راه برای آن باز گذارده شد و اسالا اکثر اسناداران، فرمانداران و... برای امر پیشبرد اهداف حزب جمهوری اسلامی بسیج شدند.

حزب جمهوری اسلامی در هر شهر و کاشانه‌ای دست به خدعه خاصی زد و از سبوا دی مردم و احاسات مذهبی آنان سوء استفاده کرد. در تهران لیست ائتلاف بزرگ را به شکل ماهرانهای در کنار پیام امام طوری آرایش داد که اعضای امام و نمایندگان ائتلافیون در کنار و ردیف هم قرار گرفت، بطوریکه تعداد زیادی از مردم ما در دست داشتن همین لیست به پای صدوق آراء رفتند.

با اس حوزعلات گوشی حزب جمهوری اسلامی از نتایج انتخابات مطلع است و میداند که اکثریت کاندیدها پیش، عدای در مرحله اول پیروز می‌شوند و ماغی هم در مرحله دوم، حزب جمهوری اسلامی و کارگزاران واسسه به آن همگی از اسناعات اظهار رضایت کردند و با بزرگ کردن و ارج سهادن به آرامش حاکم بر فضای انتخابات به بعد در رگ تقلبات را کوچک جلوه دادند.

کسی، سرپرست وزارت کشور از نحوه احراى انتخابات اظهار رضایت کرد و علت ناراضی موجود در انتخابات را سبوا دی رای دهندگان دانست. او به سوء استفاده بررگی که توسط ملاهای محلی، کمیته‌ها و پاسداران به رهبری حزب جمهوری اسلامی در حوزه‌های رای گیری صورت گرفته است نظیر ریختن و کاشان را به گردن سبوا دیان ایداح و اظهار داشت:

"سبوا دیان با اصرار به متصدیان صدوق‌ها مراحمه و از اسبوا نی حواسند که خودشان تعدادی را برایشان انتخاب و در ورقه آنها نویسد که متصدیان در پارهای موارد از این کار سر باز می‌زدند و از طرف دیگر سبوا دیان تبلیغاتی سس سبوا دیان بخش می‌شود ولی بطور کلی اس سوء استفاده‌ها رساد نمود."

میر سلیم معاون سیاسی و اجتماعی وزارت کشور اظهار داشت:

"سظورنی انتخابات خوبی شده ولی بدون بعض نبوده است"

رحائی از آرام بودن انتخابات اظهار رضایت داشت. جمران در مورد اسکسه انتخابات با آرامش بر گزار شد.

اعمال نفوذ و تقلب‌های پنهان و آشکار انتخابات را افشا کنیم



اعتراضات وسیع مردم ...

خطا شده باشد، با قاطعیت رسیدگی خواهد شد. آقای بنی صدر نشان داد که عملاً برخلاف گفته خود زبربار مجلس تقلبی خواهد رفت چراکه او در جستجوی "آرامش و امنیت" است و امنیتی که او می خواهد، توسط مجلس تقلبی و فرمایشی و ارتش امریکائی برقرار می شود. آیت الله خمینی با همه اعتراضاتی که از همه چهار گوشه ایران بلند بود، انتخابات را کامل و درست خواند و به ریاست رئیس جمهور، برای رسیدگی به تخلفات انتخاباتی ۷ نفر را مأمور رسیدگی و تهیه گزارش نمود. اما این تصمیم واقعا نه برای تهیه گزارش تقلبات بزرگ حزب جمهوری اسلامی و تخلفات وزارت کشور و منصوبین آن بلکه برای بررسی تخلفات کوچک حوزه ها و ابطال آراء بعضی از آنها جهت خاموش کردن اعتراضات مردم است بطوریکه دکتر باهنر عضو شورای انقلاب بلافاصله پس از تشکیل کمیسیون ۷ نفره اظهار داشت: "پس از پانزده روز از ارائه گزارش کمیسیون ویژه انتخابات، دوردوم برگزار خواهد شد." و این می رساند که قبل از ارائه گزارش از جانب کمیسیون ویژه

ما معتقدیم که این هیئت ویژه نه تنها تقلبات را برملا نخواهد کرد، بلکه بر تقلبات بزرگ و آشکار هم سرپوش خواهد گذارد. این هیئت ویژه به همان میزان در خدمت مردم عمل خواهد کرد که هیئت ویژه فرستاده از سوی شورای انقلاب برای حل مشکلات مردم گردستان عمل نمود و به همان میزان در کشف حقایق پشت پرده موثر خواهد بود که هیئت های بررسی از جانب رئیس جمهور، حقایق مربوط به ترور رهبران خلق ترکمن رادز اختیار مردم گذاشتند!

نمونه ای از صدها گزارش انتخاباتی

من همراه با ۴ نفر از دوستانم در روز برگزاری انتخابات به حوزه اول انوبان کرج (جنب پاسگاه پلیس راه) مراجعه کردیم و مشغول نوشتن اسامی کاندیداهای سازمان چریکهای فدایی خلق در برگ انتخاباتی شدیم. در حین نوشتن یکی از پاسداها سرک کشید و نگاهی به اسامی کرده و با کمال بیشرمی گفت: "چی می نویسی؟ اینها مسلمان نیستند. فریب نخورید. چرا به اینها رای می دهید؟" بعد من اعتراض کردم و گفتم: "به تو چه مربوطه؟" و آقای پاسدار برگ انتخاباتی را از دستم گرفت و پاره کرد و چون با اعتراض دوستان دیگرم روبرو شد، ورقه او را هم از دستش قاپید و پاره کرد. وقتی پاسدار با اعتراض همگی روبرو شد، بلافاصله از داخل

پاسگاه تلفن کرد و ۵ پاسدار آمدند و سه نفر از ما را به کمیته شماره ۱ بردند. در آنجا پس از فحاشی از جانب پاسدارها، ما را در اطاقی حبس کردند و گفتند: "تا ساعت آخر رای گیری همین جا باشید." در اطاق زندانی بودیم که ۵ نفر دیگر هم به ما ملحق شدند که سه نفر از آنان پسر و دو نفر دختر بودند. پس از صحبت معلوم شد که آنان هم از هواداران سازمان هستند و آنها را هم از همان حوزه بد همان بهانه دستگیر و به اینجا آورده اند. ما هشت نفر تمام روز را در اطاق محبوس بودیم و در پایان روز که اخذ آراء به پایان رسیده بود، آزاد شدیم. گزارش بالا نمونه ای از صدها گزارشی است که توسط هواداران به دست ما رسیده است.

جراخواست رئیس جمهور اطاعت کورکورانه از فرماندهان ارتش شاه ...

ایران. فرمانده کل قوا بنی صدر در یک چنین شرایطی از لزوم بازگرداندن "نظم به ارتش دم می زند و اطاعت خدشه ناپذیر از مافوق را ضامن چنین "نظمی" می داند و دست فرماندهان ضد خلقی را بازمی گذارد. تفویض مسئولیت و قدرت به سران ضد خلقی ارتش، ترویج اطاعت کورکورانه از مافوق و تلاش در جهت خلع سلاح توده ها در برابر آنان، یعنی تدارک مقدمات، استیلائی حکومت نظامی، یعنی پرورش زاهدی ها و بال و پر دادن دهها ژنرال توطئه گر که نظایرشان در هر گوشه از جهان به امر اربابان امریکائی شان کودتا می کنند، مردم را به گلوله می بندند و دست به هر جنایتی می زنند تا منافع امپریالیسم جهانی و سرمایه داری وابسته به آن حفظ گردد. آنان که در گفتار خود را طرفدار تسلیح توده ها می دانند و صحبت از ارتش بیست میلیونی می کنند، اما در عمل همه تلاششان را برای خلع سلاح توده ها در مقابل سرمایه داران و زمین داران بزرگ به کار گرفته اند، آنان که در برابر حقانیت انقلابی مبارزه توده های به منطبق و ورشکسته "باندهای سیاه" متوسل می شوند و یا بر آن صحنه می گذارند، آنان که "قاطعیت" شان تنها در رابطه با ارباب و سرکوب توده های زحمتکش امکان تجلی می یابد، می خواهند شوراها را از محتوای انقلابی تهی کنند و پرسنل انقلابی ارتش را به ماشین های بی اراده "سرکوب بدل سازند، غافل از آنکه اتحاد عمل آگاهانه و انقلابی توده ها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه، سازماندهی نظام اطاعت کورکورانه را ناممکن می گرداند و پرسنل انقلابی ارتش با اتکا به دستاوردها و تجربیات انقلابی شان مجال اعمال چنین نظمی را به فرماندهان ضد خلقی ارتش نخواهند داد.

* نقل قول از ظهیر نژاد در نطق تلویزیونی اش ...

در دانشگاه های نظامی امپریالیستی و صهیونیستی شکل گرفته است و سراسر "مبارزات درخشان" شان چیزی جز خدمات بی شائبه به امپریالیسم و صهیونیسم نیست، ادعای مبارزه علیه امپریالیسم را هم دارند. این فرماندهان یک شبه انقلابی شده که تا مدت ها پس از قیام از ترس انتقام و خشم توده ها و پرسنل انقلابی به مخفی گاههای خود خزیده بودند و از اجتماعات مردم وحشت داشتند، اکنون در صدا و سیما جمهوری اسلامی در برابر میلیون ها تن از مردم مبارز مبهیمان ظاهر می شوند و زیر پوشش عوامفریبانه "سرباز حکومت اسلامی" مقاصد و نقشه های تبهکارانه و ضد مردمی امپریالیسم را آزادانه تبلیغ می کنند. فلاحی در پادگان سنندج با صراحتی و فحاشی می گوید: "من با شورا در ارتش مخالفم" "ما به پرونده تمام کسانی که تا به حال مرتکب جرمی شده اند در دادگاه ویژه ارتش رسیدگی خواهیم کرد و به خدمت تمام کسانی که قطعنامه نوشته اند، تحصن کرده اند، اعتصاب غذا نموده اند و ... خاتمه می دهیم" "من با قاطعیت اعلام می کنم که هیچ کس به عنوان نماینده در ارتش نداریم و نماینده همان کسی است که از بالاترین شده است. اگر بعد از این کسی به عنوان نماینده پرسنل معرفی شود، خود نماینده را اخراج خواهیم کرد. با هر درجه و سمتی که باشد." مردم میهن ما قبل از همه و بیش از هر چیز باید از این حقیقت آگاه شوند که چنین سیاستی عملاً به مفهومی سپردن قدرت مطلق به دست سرمایه داران، فرماندهان ارتش شاه و جاسوسان امپریالیسم است. قدرت گرفتن تدریجی سران خود فروخته ارتش و سپردن سرنوشت جامعه به دست عناصری چون فلاحی ها، ظهیر نژادها، علوی ها و باقری ها یعنی پیش بردن اهداف امپریالیسم امریکادر

حیات سیاسی جامعه ما مسلط شود. این امر بدین جهت قویا دنبال می شود که بقای نظام سرمایه داری در گروی تثبیت و تمرکز قدرت اداری و سرکوبگر آن است. دو ارگان تشکیل دهنده ماشین دولتی یعنی ارتش و دستگاه اداری با هزاران رشته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مربوط می گردند و حیات یکی در گروی بقای دیگریست. به همین دلیل امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مجدانه در جهت ترمیم این دو دستگاه تلاش می نمایند. مسئولیت اجرایی ترمیم و بازسازی ارتش بازمانده رژیم گذشته را فرماندهان ضد خلقی رژیم شاه به عهده دارند. فرماندهانی که پرورش یافته فرهنگ حکومت نظامی اند و اعمال آئین نامه های انضباطی سربازانهای را بر کل جامعه نظم کمال مطلوب خود می دانند. ژنرال های نظیر فلاحی ها، ظهیر نژادها، علوی ها و باقری ها و ... که درجات روی دوششان از خدمات ننگین آنان به امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار ایران به سرکردگی شاه مزدور حکایت می کند، این نوکران صدیق امپریالیسم که سعی دارند توده ها را به قبول نظم سربازانهای وادارند، این سازمان دهندگان نظم دروغین که هنوز هوای قوانین و قراردادهای دست نخورده پیشین را تنفس می کنند، از حمایت بی دریغ طبقه سرمایه دار ایرانیان برخوردارند و مورد تأیید سازشکاران و دوستان امپریالیسم هستند. همه آنها در جنبه متحدی علیه خلق قهرمان ایران مبارزه می کنند. آنان به شیوه اوپسی ها و از هاری ها فاعی پادگان ها و تریبون های صدا و سیما جمهوری اسلامی ظاهر می شوند و می گویند که "قاطعیت" ضد انقلابی خود را ابتدا به پرسنل انقلابی ارتش و سپس توده های مردم و سازمان های انقلابی شان نشان دهند. آنها هنوز در رویای "روزهای طلائی" حکومت نظامی شان هستند. حکومت نظامی ای را که توده های انقلابی به گور سپردند و دیگر اجازه بازگشت آن را نخواهند داد. این فرماندهان مزدور که شخصیت و تفکر و خصائلشان،

سانسور، دروغ و جعل حقایق را افشا کنیم

اقدامات ضد مردمی دادستان گنبد

بعد از جنگ تحمیلی به خلق ترکمن و پوروش وحشیانه ارتش و پاسداران، اوضاع شهر گنبد همچنان آشفته و نابسامان است. مدارس شهر تعطیل است، فعالیت‌های اقتصادی کاملاً مختل گردیده و شهر کاملاً حالت غیرعادی دارد.

ترورهای وحشیانه مردم بی دفاع و قتل و غارت آنان آنچنان فضای ناامنی ایجاد کرده که ساکنین گنبد یانهور به شهر بازنگشته‌اند و بسیار اکثراً از منازل خود خارج نمی‌شوند. در چنین شرایطی که مردم اعلام نموده‌اند تا تضمین امنیت شهروندان دستگیری و محاکمه مصیبت‌های جنگ تحمیلی و عوامل ترور ۴ تن از فدائیان خلق و فرزندان دلاور خلق ترکمن، به شهر باز نخواهند گشت، دادستان انقلاب گنبد طی اطلاعیهای مردم را تهدید نموده است که در صورت عدم بازگشت به شهر اموال و منازل آنها به نفع مستضعفین "مصادره" خواهد شد.

دادستان انقلاب گنبد که خود یکی از عوامل ترورهای ناجوانمردانه مردم بی دفاع

و ایجاد تشنج در منطقه است به شیوه‌های فاشیستی متوسل گردیده و در حالتی که قادر نیست مردم را برای بازگشت به شهر و عادی کردن منطقه متقاعد سازد، اقدام به ارباب نموده و مردم زحمتکش شهر را تهدید به تصاحب خانه و کاشانه‌شان می‌نماید.

دادستان انقلاب گنبد که از جنگ تحمیلی اخیر تا به امروز همواره با اتخاذ مواضع ضد مردمی باعث آزار و اذیت زحمتکشان شهر و روستا گردیده و به حمایت از زمین‌داران بزرگ و عناصر و عوامل وابسته به آنها پرداخته است، او و امثال او که به مخالفتی مجدانه با شوراهای انقلابی روستایی برخاسته و تعداد بی شماری از اعضای شوراهای روستایی را بدون مجوز دستگیر و زندانی کرده‌اند، باید بدانند که اینگونه حرکات کوچک‌ترین تأثیری در وحدت و یکپارچگی خلق ترکمن و مردم مبارز ترکمن صحرا نداشته و سیاست‌هایی از این قبیل هرچه بیشتر به افشای عوامل جنگ‌افروز در مقابل خلقهای میهنمان خواهد انجامید.

توطئه سکوت ترور فدائیان شهید رفقا توماج، مختوم، واحدی، جرجانی را محکوم می‌کنیم

چرا عاملین جنایات گنبد را به مردم معرفی نمی‌کنند؟

بعد از گذشت یکماه و نیم از ترور ناجوانمردانه فدائیان شهید رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی هنوز عاملین این جنایت به پیشگاه مردم معرفی نگردیده‌اند.

آقای بنی‌صدر که در مناظره تلویزیونی در مقابل مردم مجبور شد گفته‌های پیشین خود را در باره چگونگی شهادت این فرزندان دلیر خلق ترکمن پس بگیرد، با توجه به اینکه از چگونگی و عوامل این جنایت اطلاع دارد و با توجه به اینکه گزارشات دقیق ماجرا را دریافت داشته، سکوت اختیار نموده و عملاً به مردم

طی چند ماهه اخیر روستائیان الشتر که شاهد ورود مقدار زیادی روغن و دیگر مواد غذایی به بخش خود بودند، هرگاه برای گرفتن روغن مراجعه می‌کردند به جای دریافت روغن و مواد غذایی با توهین مسئولین مواجه می‌شدند. در حالیکه به چشم خود می‌دیدند چگونه روغن و دیگر مواد غذایی میان نزولخواران، ملاکین بزرگ و افراد بانفوذ تقسیم می‌شود.

روستائیان برای اعتراض به این عمل، چندین بار به بخشداری و سپاه پاسداران مراجعه کردند ولی هر بار اعتراض آنها با بی‌اعتنایی و توهین بخشدار، رئیس سپاه پاسداران روبرو بود تا اینکه در روز شنبه ۱۸ اسفند ۵۸ هزاران تن از روستائیان وارد شهر شده و به بخشداری رفته و از بخشدار و رئیس سپاه

فئودالها و زمینداران بزرگ علیه دهقانان متحد می‌شوند

فئودالها و زمینداران بزرگ شهرستان جیرفت، این روزها تلاش زیادی جهت متشکل نمودن خود و سرکوب روستائیان منطقه انجام می‌دهند. در رودبار و مناطق جنوبی جیرفت این تلاش‌ها شدت بیشتری دارد. خوانین منطقه رودبار تا دندان مسلح شده‌اند و در این راه از کمک مقامات استانداری و برخی از روحانیون نیز برخوردار می‌شوند. اینان در چند ماهه اول بعد از قیام تعداد زیادی از افراد مسلح خود را برای اعلام همبستگی به قم آورده و با آیت‌الله خمینی دیدار کردند و به این ترتیب موقعیت خود را مشروعیت بخشیده و تشییع کردند.

هم اکنون این منطقه عملاً در کنترل خوانین و زمینداران بزرگ است که همگی تفنگداران مخصوص به خود را دارند. اینها از روستائیان فقیر و سایر مردمی که در منطقه جنوبی جیرفت زندگی می‌کنند، به زور اسلحه باج می‌گیرند و گمانی را که حاضر به تمکین نباشند، به شدت مورد آزار قرار می‌دهند.

خوانین جیرفت از یک طرف با خوانین بلوچستان رابطه دارند و از طرف دیگر با تیمسار مدنی در ارتباط نزدیک هستند. پس از انتخابات ریاست جمهوری و آراء نسبتاً زیادی که به نام مدنی در این منطقه به صندوق ریخته شد، اینک این تیمسار ارتش درصدد ایجاد یک حزب سیاسی است که طبیعتاً استان کرمان پایگاه مهمی برای وی به شمار می‌رود. در جیرفت نیز اکثر زمینداران از مدنی حمایت می‌کنند.

پس از انتخابات ریاست جمهوری، مدنی فعالیت خود را برای متشکل کردن پایگاه حمایتی خود افزایش داده است. وی به دعوت خوانین جبال بارز (طیاری‌ها) و خوانین رودبار به جیرفت مسافرت کرد تیمسار مدنی به منظور "سپاسگزاری" از زمینداران و خوانین یک جلسه سخنرانی در شهر تشکیل داد. این جلسه توسط گروهی از مردم به هم ریخته شد و تیمسار با پای برهنه مجبور به ترک جلسه شد.

خوانین جیرفت قبل از

انتخابات مجلس شورای ملی در یکی از روستاهای جیرفت (روستای بهجت آباد) جلسه‌ای تشکیل دادند که صدها نفر در این جلسه بطور مسلحانه شرکت نموده بودند. در این جلسه خوانین سوگند وفاداری نسبت به یکدیگر یاد کردند. آنها متعهد شدند که تعرض به هر کدام از خوانین را تعرض به خود تلقی نمایند و برای شرکت در مجلس شورای ملی نمایندگان واحدی معرفی کنند.

در انتخابات مجلس خوانین منطقه رودبار (بخش کهنوج) توانستند حجاج علیخان مهمی را در دور اول به مجلس بفرستند. در منطقه شهرستان جیرفت نیز کاندیداهای خوانین (ابراهیم پور و طیاری) آراء زیادی کسب کردند و طیار به مرحله دوم رسید.

عباس‌خان منوچهری کاندیدای دیگر منطقه در حالی که خود معلم است، مورد حمایت خوانین منطقه ساردویی است.

دهقانان الشتر و اتحاد پاسداران با فئودالها

پاسداران خواستند که به‌وضع غیرعادلانه توزیع مواد غذایی رسیدگی کنند که این بار نیز از طرف مسئولین پاسخ درستی به آنها داده نشد و هنگامی که چند تن از دهقانان به این بی‌اعتنایی اعتراض کردند، یکی از پاسداران به آنها حمله کرده و به کتک‌کاری آنها پرداخت. این عمل موجب خشم دهقانان گردید. دهقانان که از دست سرمایه‌داران و بخشدار که از جانب مسئولین سپاه پاسداران حمایت می‌شوند، به تنگ آمده بودند، با شعارهایی چون مرگ سر سرمایه‌دار نزولخواز، مرگ بر بخشدار، مرگ برفئودال، به بخشداری حمله ور شدند. بخشدار که فهمیده بود دیگر نمی‌تواند با حيله و نیرنگ دهقانان را فریب دهد، مجبور به فرار شد. روستائیان که چنین دیدند، در

خیابان‌های شهر دست به راهپیمایی زدند. اما در این هنگام پاسداران به آنها یورش برده و شروع به تیراندازی کردند. دهقانان با دیدن چنین وضعی با سنگ و چوب به مقابله برخاسته و پاسداران را به محاصره خود درآوردند. ولی پاسداران با کمک فئودال‌های محصل توانستند از محاصره بگریزند و به بالای پش بام‌ها رفته و شروع به سنگ‌گیری کردند. در این میان زحمتکشان شهر به کمک روستائیان آمده با پرتاب سنگ به آنها یاری می‌رسانند.

این درگیری که از ساعت ۹ صبح شروع شده بود، سرانجام با پا در میانی ژاندارمری و پاسداران بومی با نجا گذاشتن تعدادی زخمی از طرفین، خاتمه پذیرفت.

از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



نامه یک کارگر بیکار برای نشریه کار :

دولت و کمیته

کارگران را روانه زندان می کنند!

من غلامحسین خاکستری هم و شغلم کارگریست. در شیراز به کار نقاشی مشغول بودم. بعد چون بیکار شدم از شیراز رفتم به بندرعباس در جستجوی کار. در شرکت ساختمانی روانج مشغول به کار شدم. یکماه کار کردم. گفتند دیگر کار نیست. اخراج شدم. در بند عباس ۳ ماه بیکار بودم. بارها به کاریابی مراجعه کردم. گفتند برای ما لیست کار نیامده. به اداره کار و امور اجتماعی رفتم. گفتند به ما مربوط نیست. یا برو اداره کار یابی یا کمیته کاریابی که قبلا رفته بودم. رفتم کمیته. در کمیته آقای حقانی گفت: دوسه ماه صبر کنید تا کارها راه بیفتد.

یکماه دیگر آنجا معطل کار بودم. بعد رفتم به امور اجتماعی و آنجا با عده ای از کارگران بیکار مثل خودم روبرو شدم. حدود ۵۰-۴۵ نفر می شدند. توی رادیو - تلویزیون اعلام کرده بودند بیایید استانداری برای کار. ما از ساعت ۹ صبح تا ۱ بعد از ظهر در استانداری منتظر ماندیم. نه از استانداری و نه از کمیته امام کسی نیامد با ما صحبت کند. تصمیم گرفتیم تا نایند با ما صحبت کنند. از استانداری خارج نشویم. تا ۱ بعد از نیمه شب داخل محوطه نشستیم. پول چندانی هم در بساط نداشتیم. پول هایمان را جمع کردیم. نان خریدیم و نان خالی خوردیم. تا ساعت یک شب عده زیادی از ما رفته بودند. شدیم ۴۶ نفر. دیدیم از کمیته امام و شهرستانی به استانداری آمدند و ما را محاصره کردند و گفتند "سوار شین بریم" (نگفتند کجا) ما را سوار کردند و یک راست بردند زندان بندر عباس. در زندان آن شب ۴ نفر از کارگران را ماموران کمیته های کتک زدند. صبح گفتند "شما را روانه تهران می کنیم و در تهران پانمانده آنجا صحبت کنید." وقتی ما را به تهران آوردند، تحویل زندان اوین

کارگران متحد می شوند

قبول پرداخت پاداش ماهیانه ۲۰۰ تومان با کارگران وارد مذاکره می شود که کارگران نمی پذیرند و سرانجام با پرداخت ماهیانه ۵۰۰ تومان پاداش ماهیانه موافقت می کنند و کارگران سرکار برمی گردند دو نکته در اینجا قابل توجه است: اول مسئله اتحاد و همبستگی کارگران بچ پلنت

کارگران شرکت ایتال کنتراکتور (قسمت بچ پلنت) که از مدت ها پیش خواستار افزایش دستمزد بودند و هر بار نیز با وعده های مبهم رئیس قسمت مواجه می شدند. سرانجام در روز ۹ اسفند بطور دستجمعی دست از کار کشیدند. کارفرما که انتظار این همبستگی و اتحاد کارگران را نداشت، ابتدا با

مرگ جانگداز یک کارگر

محمد مرادی کارگر ۲۲ ساله شرکت ژاپنی "کوماگائی گومی" واقع در سد لار - لتیان، روز ۲۸ اسفند در حین حفاری در عمق ۱۵۰ متری زمین جانش را از دست داد. در این حادثه چهار کارگر دیگر نیز شدیداً زخمی شدند که با تلاش فداکارانه دیگر کارگران از مرگ نجات یافتند. این حادثه ناگوار به واسطه فقدان

وسائل ایمنی و نقص فنی جرثقیل ریلی داخل تونل روی داد. شورای کارگری شرکت، مسئله نقص دستگاه را قبلاً بارها به مسئولین شرکت توضیح و هشدار داده بود ولی آنان به واسطه مطامع سودجویانه و غیرانسانی شان حاضر به تقبل حداقل هزینه لازم برای رفع نقص فنی نشده بودند.

برخوش نشینان دینور چه می گذرد

در اختیار آنان است. اما با اوج گیری مبارزات زحمتکشان میهنمان در جریان قیام، دهقانان و خوش نشینان منطقه بی اعتناء به زمین داران بزرگ و سرمایه داران خود راساً به کشت زمین ها مشغول شدند که این عمل با مقاومت فئودال ها و سرمایه داران روبرو گردید و توسط عمال مزدور خود و با توسل به زور شبانه با تراکتور مزارع سرسبز گندم، یونجه... را که دهقانان کاشته بودند، شخم زده و دهقانان را از زمین ها بیرون راندند. خوش نشینان و دهقانانی که از زمین هایشان رانده شده و وسیله معیشت خود را از دست داده اند، و با وجود بیکاری عظیمی که در شهر و روستا وجود دارد، محکوم به مرگ تدریجی اند، در برابر اینهمه سال ستم از جانب زمین داران

در دهستان دینور بخش صحنه کرمانشاه با محدوده چهل کیلومتر که حدوداً ۱۰۰ هزار نفر جمعیت و ۵۰ دهکده دارد، پس از تقسیم اراضی فرمایشی شاهنشاهی، عده کثیری از دهقانان از هستی ساقط شدند بطوریکه در هر قریه از ۵۰ خانوار، ۲۰ و حتی ۲۵ خانوار به خوش نشینانی بدل شدند که از کلیه حقوق اجتماعی محروم بودند. خوش نشینانی که نه کشاورزند، نه روستائی و نه شهری بلکه آوارگانی که تنها امکان زندگیشان کار در شهر است که بطور نامنظم به آن می پردازند و این در حالی است که بیشتر زمین ها در اختیار فئودال ها و زمین داران بزرگ به بهانه کشت مکانیزه قرار گرفت، بطوریکه در هر قریه از ۱۰۰ الی ۱۰۰۰۰ هکتار زمین و باغاتی که وجود دارد، اکثر

زحمتکشان وگرانی مسکن

دولت و تشویق خانه سازی تنها از طریق وام دادن منجر به لوکس سازی و بهرکار شدن خریداران تابدان حد میگردد که تا دوسوم درآمد ماهانه شان را باید برای پرداخت قسط خانه بپردازند تشویق خانه سازی بدین ترتیب که نتیجه ای جز غارت خریداران ندارد به امر مشکل مسکن در سطح جامعه نیز پاسخ نمی دهد. مشکل مسکن را آن فراوان و در دسترس است (آب، خاک، چوب، آهن، شیشه و کارگران بیکار) باید بطور بنیادی و براساس منافع

مشکل مسکن را باید براساس منافع زحمتکشان حل کرد، نه بر اساس محاسبات سودجویانه سرمایه داری.

جامعه و به ویژه منافع زحمتکشان حل کرد و نه بر اساس محاسبات سودجویانه سرمایه داری. خطوط زیر را می توان برای اتخاذ یک سیاست مردمی در امر مسکن مشخص کرد:

- ۱- ایجاد صنایع دولتی تولید مصالح ساختمانی
- ۲- ایجاد شرکت های تعاونی مسکن کارگران، کارمندان، پیشه وران و دهقانان کم درآمد
- ۳- تبدیل وزارت مسکن به وزارت ساخت خانه ارزان قیمت با برنامه ای دقیقاً زمان بندی شده برای ساختن صد هزار واحد مسکونی در سال
- ۴- قدغن کردن خرید و فروش خانه های مذکور
- ۵- دریافت قیمت خانه های مذکور در بلند مدت، بطوریکه قسط ماهانه آن از حدود یک پنجم درآمد ماهانه تجاوز نکند.

چنانچه دولت چنین سیاستی را اتخاذ کرده بود، تاکنون نه تنها دهها هزار واحد مسکونی جدید ساخته شده بود و به همان نسبت زحمتکشان از چپاول بیش از نیمی از درآمدشان به وسیله پرداخت اجاره مسکن رهائی یافته بودند، برای بخش قابل توجهی از میلیون ها کارگر بیکار نیز کار فراهم شده بود.

از ابتدای پیروزی مردم ایران بر رژیم سلطنتی، زحمتکشان شهری درخواست حل مشکل مسکن و کاهش اجاره بهای کمرشکن را کرده اند دولت وعده های بسیار داده و از طرح های رنگارنگ سخن گفته است ولی از حل مشکل مسکن که عاجز مانده هیچ کرایه خانه زحمتکشان که اکثریتک اطای است، افزایش هم یافته است.

علت عدم موفقیت دولت در یکسال گذشته در این مورد چیست؟

دولت ابتدا به پرداخت وام اقدام کرد و سپس با عدم موفقیت این روش و فشار شدید زحمتکشان، بهره وام مسکن را کاهش داد. توزیع زمین و تشویق بی خانه ها به ساختن خانه بطور فردی و نتایجی که از آن گرفته شد، خیالی بودن این روش را نشان داد. اگر روش اول مستقیماً سرمایه داران بخش ساختمان را در کسب سود مثل گذشته یاری رساند و مشکل مسکن همچنان باقی ماند، روش دوم بی خانه ها را یک چندی فریفت و تنها تعداد انگشت شماری از آنان را راضی کرد. دولت در هر دو اقدام همان روابط استعمارگرانه قبلی را در امر خانه سازی تحت عنوان ایجاد ابتکار خصوصی برقرار و تقویت کرد.

تقریباً همان روابط قبلی بر خانه سازی مسلط است. باز هم سرمایه داران بخش ساختمان اعم از واسطه های فروش مصالح، بساز و بفروش ها، بنگاه های معاملات ملکی سرنوشت ساختمان سازی را با توجه به کسب حداکثر سود برای خود در دست دارند دولتی که در حرف بسا زحمتکشان و در عمل بسا سرمایه داران است، فربه تر شدن سرمایه داران بخش ساختمان را از طریق اعطای وام به خریداران خانه مثل گذشته منتهی در سطوح پائین تری با توجه به عدم وجود قدرت خرید متقاضی مسکن موجب می شود.

اگر دولت می خواست در عمل و نه در حرف مشکل مسکن میلیون ها زحمتکش را حل کند، می بایست چه می کرد؟ تجربه گذشته نشان میدهد به اصطلاح بیطرف ماندن

تحصن و به دنبال تماس های مرکز چندن از نمایندگان کارگران با دادگاه انقلاب قم، سرانجام مقامات مسئول مجبور می شوند برای رسیدگی به وضع کارگران، دادگاهی تشکیل دهند. کارگران دست از تحصن کشیده و همگی در دادگاه حاضر می شوند و در دادگاه حقانیت خویش را به اثبات می رسانند و با گرفتن مجوز قانونی کارفرما را مجبور به قبول خواستهایشان می کنند. کارگران پیساز بازگشت به کارخانه تصمیم می گیرند شورای نمایندگان خود تشکیل دهند که حافظ حقوق و منافع شان بوده و خواستهایشان را تحقق بخشد

مجوز قانونی حقوق صنفی کارگران باید قانون کار باشد نه قوانین دیگر. کارگران باید کل قانون کار ضد کارگری فعلی را مورد چون و چرا قرار دهند و این امر تنها با شرکت موثر و فعال نمایندگان واقعی کارگران در تدوین قانون کار جدید می تواند عملی شود.

این تجربه که در آن کارگران سرانجام از طریق دادگاه انقلاب قم و با اتکا به حکم دادگاه، مجوزی قانونی برای اثبات حق خود می یابند، قبل از هر چیز باید کارگران مبارز قم را به این نتیجه رهنمون شود که:

هر چند این حکم دادگاه انقلاب که معطوف به خواست و حرکت انقلابی کارگران بوده و در جهت تأیید آن است، حکمی مترقی و قابل تقدیر است ولی مجوز قانونی حقوق صنفی کارگران باید در قانون کار باشد نه قوانین دیگر. کارگران باید ماده ۳۳ را که دست و پایشان را می بندد، و مهم تر از آن کل قانون کار ضد کارگری فعلی را مورد چون و چرا قرار دهند و این امر نه با توسل به دادگاه ها بلکه تنها از طریق شرکت موثر و فعال نمایندگان واقعی شان در تدوین قانون کار جدید می تواند عملی شود.

کارگران مبارز پلاستیک قم با تشکیل شورای انقلابی شان قدم اول را در این راه بر میدارند.

کارگران کارخانه پلاستیک قم

در نتیجه اتحاد به پیروزی رسیدند

رژیم سابق استفاده می کند و به ژاندارمری تلفن می زند و برای مقابله با کارگران از ماموران مسلح یاری می طلبد. افراد مسلح ژاندارمری وارد کارخانه می شوند و حکم اخراج ۱۵ کارگر مبارز را به زور سرنیزه به اجرا درمی آورند. روز بعد ۱۱/۱۸ ساعت بعد از ظهر کارگران شیفت صبح همراه کارگران اخراجی در کانون کارگران قم اجتماع می کنند و ضمن در میان گذاشتن مشکلاتشان با نمایندگان کارخانه های دیگر شکایتی به دادگاه انقلاب قم و وزارت کار می نویسند و در این شکایت ابتدائی ترین حقوقی را که از آن محرومند، مطرح

کارخانه هنر پلاستیک، سازنده لوازم خانگی پلاستیکی، واقع در ۳ کیلومتری قم، ۶۵ کارگر و ۵ کارمند دارد کارگران این کارخانه تا کنون موفق نشده اند، شورائی از نمایندگان واقعی خود تشکیل دهند. از قیام بهمن ماه تا کنون چندین بار تصمیم گرفته اند که نمایندگانی از خود تعیین کنند ولی هر بار توسط کارفرما، ابریشم چی و عوامل خود فروخته اش سرکوب شده اند. کارگران این کارخانه روزانه ۱۲ ساعت در بدترین شرایط کار می کنند و روزه های جمعه به ویژه تعطیلات عمومی و رسمی کار کردن اجباری است آن هم بدون اضافه حقوق! از اوایل ماه گذشته کارگران مبارز این کارخانه برای چندین بار تصمیم می گیرند با انتخاب نمایندگانشان، خواستهای برحقشان را دنبال کنند. کارگران طی چند جلسه بحث و گفتگو ۱۳ نفر از بین خودشان به عنوان نماینده انتخاب می کنند. کارفرما که به وسیله چندش از عواملش از چگونگی انتخابات مطلع می شود، باردیگر شروع به توطئه چینی می کند و برای برهم زدن شکل کارگران ابتدا دوش از نمایندگانشان را به این عنوان که "کمونیست" هستند و کارگران دیگر را تحریک می کنند، خود براسه اخراج کرده و قسم و محل کار بقیه نمایندگان و چند تن دیگر از کارگران را عوض می کند تا آنها نتوانند با یکدیگر صحبت کنند.

می کنند:

- ۱- حق تعیین نماینده
- ۲- کاهش ساعات کار از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت
- ۳- اضافه کاری باید بانظر کارگران باشد.
- ۴- دادن سود ویژه
- ۵- دادن لباس کار
- ۶- دادن ناهار
- ۷- مرخصی سالیانه به مدت ۳۰ روز

روز یکشنبه ۲۱ بهمن، کارگران برای رسیدگی به شکایتشان به اداره کار مراجعه می کنند ولی با جواب سربالا از آنجا برمی گردند. اداره کار به کارگران می گوید: "ما مطابق قانون عمل می کنیم و کارفرمای شما طبق ماده ۳۳ قانون کار، حتی اگر از قیافه کارگری خوشش نیاید می تواند اخراجش کند. بنابراین از ماکاری ساخته نیست"

کارگران تصمیم می گیرند به فرمانداری قم مراجعه کنند ولی در آنجا نیز نتیجه ای نمی گیرند.

به دنبال اخراج این دو کارگر مبارز و آگاه، روز بعد یعنی چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه کارگران شیفت صبح در داخل کارگاه دست به اعتصاب زده و خواستار بازگشت دو نماینده اخراجی می شوند. کارفرما که از این حرکت انقلابی کارگران به خشم آمده بود، حکم اخراج ۱۵ کارگر دیگر را صادر می کند و از آنها می خواهد که هر چه زودتر کارخانه را ترک کنند. کارگران بدون اعتنا به حکم خودشان به کارفرما، همچنان به اعتصاب خود ادامه می دهند.

این بار کارفرما برای مقابله با خواستهای برحق کارگران از همان شیوه های سرکوب



می‌کنند و با اتکا به پیام امام از پرسنل انقلابی ارتش می‌خواهند که دوباره به همان مقررات رژیم سابق گردن نهند تا زمینه تحکیم سلطه امپریالیسم امریکا دوباره فراهم شود.

در کارخانهها، کارفرمایان و سرمایه‌داران با گستاخی کارگران رابه اخراج، بازداشت و غیره تهدید می‌کنند. سرمایه‌داران و کارفرمایان اینک آشکارا به اجیر کردن مزدوران و چاقوکشان پرداخته و می‌خواهند هر طوری که شده اتحاد و مبارزه کارگران را برهم زنند.

در روستاها فئودالها و زمین‌داران بزرگ و مزدوران آنها باریگر زمینه را برای تهاجم علیه دهقانان زحمتکش هموار ساخته‌اند.

ارتش دوباره با گستاخی و به سبانه ایجاد امنیت به سرکوب و کشتار خلق کرد برخاسته و فجایع روزهای اخیر را آفریده است. شبکه‌های ساواک که در سازمان امنیت جدید (ساواجا) در حال شکل‌گیری هستند، فعالیت خود را تشدید کرده و برای خدمت به امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته، برنامه‌های جامعی تدوین کرده‌اند. خلاصه آنکه جنبه ضدانقلاب با گستاخی بیشتری علیه مردم و علیه انقلاب دست به تهاجم زده است.

و بی تردید طبقه سرمایه‌دار ایران و امپریالیسم جهانی با خشودی تمام پیام آیت‌الله خمینی را از نیکو برای بسیج دستگاه‌های سرکوب که بالاخره دیر یا زود باید برای سرد نهانی با زحمتکشان ایران آماده شوند به کار می‌گیرند و از سوی دیگر خواهند کوشید آن دسته از مردم را که هنوز به آگاهی طبقاتی کافی دست نیافته‌اند نمی‌توانند دوستان و دشمنان خویش را از هم متمایز کنند. علیه انقلاب و علیه نیروهای انقلابی بسیج کنند. در چنین شرایطی است که اتحاد عمل همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست اعم از ملی و مذهبی و انقلابیون کمونیست، بیش از هر زمان دیگر ضرورت می‌یابد عناصر آگاه به ویژه فدائیان باید بیش از هر زمان دیگر و در هر گوشه میهن که هستند، مردم را از خطرانی که خون شهیدان، که شمرات مبارزاتمان و انقلاب شکوهمندمان را تهدید می‌کند، آگاه سازند. طبقه کارگر، دهقانان، پیشه‌وران، کسبه و روشنفکران ایران امروز در نبردی سرنوشت ساز با سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و با همه احزاب، محافل و باندهای وابسته به آن درگیرند، مردم هر روز آگاه‌تر و طبیعتاً متحدتر و متشکل‌تر می‌شوند و در این کشاکش تردید و تزلزل همه کسانی که فادربه مبارزه پیگیر و قاطع با امپریالیسم نیستند، تردید و لرزلر کسانی که می‌خواهند مالکیت خصوصی سرمایه‌داری را حفظ کنند، در مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم روز به روز بیشتر آشکار می‌شود. آیت‌الله خمینی و همه روحانیونی که تاکنون با امپریالیسم مبارزه کرده‌اند، دوراه بیشتر در پیش روی ندارند. باید سخن خلق را بگویند و در کنار خلق قرار بگیرند و با برای جلوگیری از ادامه مبارزه مردم زحمتکش با کسانی که تا دیروز روی روی بودند در کنار هم قرار گیرند.

در روستاها فئودالها و زمین‌داران بزرگ و مزدوران آنها باریگر زمینه را برای تهاجم علیه دهقانان زحمتکش هموار ساخته‌اند.

ارتش دوباره با گستاخی و به سبانه ایجاد امنیت به سرکوب و کشتار خلق کرد برخاسته و فجایع روزهای اخیر را آفریده است. شبکه‌های ساواک که در سازمان امنیت جدید (ساواجا) در حال شکل‌گیری هستند، فعالیت خود را تشدید کرده و برای خدمت به امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته، برنامه‌های جامعی تدوین کرده‌اند. خلاصه آنکه جنبه ضدانقلاب با گستاخی بیشتری علیه مردم و علیه انقلاب دست به تهاجم زده است.

و بی تردید طبقه سرمایه‌دار ایران و امپریالیسم جهانی با خشودی تمام پیام آیت‌الله خمینی را از نیکو برای بسیج دستگاه‌های سرکوب که بالاخره دیر یا زود باید برای سرد نهانی با زحمتکشان ایران آماده شوند به کار می‌گیرند و از سوی دیگر خواهند کوشید آن دسته از مردم را که هنوز به آگاهی طبقاتی کافی دست نیافته‌اند نمی‌توانند دوستان و دشمنان خویش را از هم متمایز کنند. علیه انقلاب و علیه نیروهای انقلابی بسیج کنند. در چنین شرایطی است که اتحاد عمل همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست اعم از ملی و مذهبی و انقلابیون کمونیست، بیش از هر زمان دیگر ضرورت می‌یابد عناصر آگاه به ویژه فدائیان باید بیش از هر زمان دیگر و در هر گوشه میهن که هستند، مردم را از خطرانی که خون شهیدان، که شمرات مبارزاتمان و انقلاب شکوهمندمان را تهدید می‌کند، آگاه سازند. طبقه کارگر، دهقانان، پیشه‌وران، کسبه و روشنفکران ایران امروز در نبردی سرنوشت ساز با سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم امریکا و با همه احزاب، محافل و باندهای وابسته به آن درگیرند، مردم هر روز آگاه‌تر و طبیعتاً متحدتر و متشکل‌تر می‌شوند و در این کشاکش تردید و تزلزل همه کسانی که فادربه مبارزه پیگیر و قاطع با امپریالیسم نیستند، تردید و لرزلر کسانی که می‌خواهند مالکیت خصوصی سرمایه‌داری را حفظ کنند، در مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم روز به روز بیشتر آشکار می‌شود. آیت‌الله خمینی و همه روحانیونی که تاکنون با امپریالیسم مبارزه کرده‌اند، دوراه بیشتر در پیش روی ندارند. باید سخن خلق را بگویند و در کنار خلق قرار بگیرند و با برای جلوگیری از ادامه مبارزه مردم زحمتکش با کسانی که تا دیروز روی روی بودند در کنار هم قرار گیرند.

و بالاخره برای همه این مسئله مطرح است که چه تغییراتی موجب شده است در مقایسه با ماه‌های گذشته در سیاست و سمت‌گیری آیت‌الله خمینی چرخش تازه‌ای پدید آید؟

پیام خود روشنگر این مسئله است. پیام خود نشان می‌دهد که:

اولاً - جنبش توده‌های ابعاد و عمق بیشتری یافته است و خواست‌های مردم تا حد نقض حرمت سرمایه و مالکیت خصوصی، نقض قوانین نظم طبقاتی پیش رفته است. جنبش توده‌های بازهم شکوفاتر خواهد شد.

ثانیاً - نشان می‌دهد که جنبش انقلابی و در راس آن جنبش کمونیستی ایران نسبت به گذشته قوت و قدرت بیشتری یافته است. جنبش کمونیستی بازهم قدرتمندتر خواهد شد.

پیام هراسی را به نمایش گذاشته است. هراسی که احساس می‌کند زمان به زیباترین نظام‌های سیاسی مطلوب ایشان مشغول است.

پیام انعکاس واقعیتی است که آینده امیدبخشی را نوید می‌دهد!

ترور توماج و هم‌زمان شده بود، چرا به مطبوعات دادند و به کیهان دستور دادند و زور آوردند که آن را چاپ کند؟ اگر مطبوعات آزاد هستند پس چرا اعلامیه‌های فرمایشی برای آنها می‌فرستند؟ پس چرا آیدگان را به زور تعطیل کردند و تا امروز هم یک کلام از همان احکام شرعی و قانونی در مورد علت تعطیل و بازحیثی‌ها و اظهارات هیئت تحریریه آیدگان و اتهاماتی که به آنها وارد کرده بودند، انتشار نداده‌اند؟

از این رادیو - تلویزیون در تمام مدت بعد از قیام مردم چه شنیده‌اند؟ این رادیو - تلویزیون در تمام این مدت بحر دروغگوئی، عوام‌فریبی، و جعل اخبار چه کرده است؟ روزهای قبل از جنگ کردستان ربه خاطر بیاورید. چقدر سفیاشی کردند که جنگ راه‌میاندازند؟ جنگ کنید را به خاطر بیاورید. جریان ربودن فرزندان آیت‌الله طالقانی و هزاران هزار دروغی که این رادیو - تلویزیون به خورد مردم داده است، همه و همه گواه آن است که این دستگاه نه آزاد است، نه مستقل است و نه بیطرف و نه جای طرح همه‌گونه انتقاد، رادیو - تلویزیون و مطبوعات فقط وقتی واقعاً آزاد و مستقل خواهد بود که مثنی و سیاست حاکم بر جامعه از اساس دگرگون شده باشد.

انتشار فرمان آیت‌الله خمینی در مورد آزادی ساواکی‌ها و جنایتکاران رژیم شاه و به دنبال آن قرائت این پیام نوروزی در مقایسه با زمانی که سفارت اشغال شد، حاکی از چرخشی است که در سیاست و سمت‌گیری ایشان حاصل شده است. هر کس که این پیام را و آن فرمان را می‌خواند آنها را با سخنان آیت‌الله در مقطع تسخیر سفارت مقایسه می‌کند و می‌بیند که به همان اندازه که آن حرف‌ها برای امپریالیست‌ها، برای حکومت امریکا و جمعی کارترها تلخ و ناگوار می‌آمد، این سخنان برای او و امثال او امیدوارکننده و نویدبخش است. متن نامه کارتر که از طرف "دفتر امام" انتشار یافت، بهترین گواه

خشودی و استقبال امریکا از این چنین پیام‌هایی است. آیت‌الله قمی و آیت‌الله مرعشی که از مرتجع‌ترین روحانیون ایران هستند، طبقی پیام‌هایی از صدور فرمان عفو ساواکی‌ها و جنایتکاران رژیم سابق قدردانی و آن را تأیید کرده‌اند. پیام نوروزی تسلی‌حاطری بود بر دل زخم خورده سرمایه‌داران و ملاکینی که از دست مردم به تنگ آمده‌اند، چراکه امام ثروت‌ها و املاک آنان را تحت حمایت خود گرفت و این حمایت با توجه به نفوذ امام برای سرمایه‌داران و ثروتمندان موهبت بزرگی است. فرماندهان ارتش از این پیام بسیار بسیار راضی هستند و برای مقامات اداری از این بهتر چیزی به عنوان عیدی نبود که دریافت دارند و از آن طرف هزاران سرباز و درجه‌داری که در ارتش و شهربانی و ژاندارمری خدمت می‌کنند، طبیعتاً از اینکه هر روز زورگوئی و اجحاف و فساد در فرماندهان امریکائی بیشتر در ارتش رایج شود، راضی نیستند. کارگرانی که دیگر مزد ناچیزشان کفاف مخارج کم‌رشدن زندگی را نمی‌دهد، از این پیام که آنها را دعوت به کار بیشتر برای سرمایه‌دار بدون مزد بیشتر می‌کند، راضی نیستند. کارگران و کارمندان و معلمان و دانشجویان و استادانی که دسته دسته اخراج می‌شوند نه تنها به خوبی می‌فهمند که این پیام چیزی عاید آنها نمی‌کند، بلکه به وضوح می‌بینند که پیام از کارفرمایان، روسا و مدیران و زورگوئی‌ها پشتیبانی و جانبداری کرده است. خانه‌دو شهانی که خانه‌های خالی سرمایه‌داران بزرگ را اشغال کرده‌اند، پیام امام را به مثابه حکم اخراج خود از آن خانه‌ها تلقی کرده‌اند. دهقانانی که پس از یک عمر مبارزه زمین را از جنگ ارباب درآورده‌اند، می‌بینند که پیام به آنها می‌گوید باید زمین را به ارباب پس بدهی زیرا این عمل تو غیر شرعی و خلاف بوده است.

از هنگام قرائت پیام امام، فرماندهان جنایتکار ارتش اقدامات علیه پرسنل انقلابی ارتش را تشدید کرده‌اند. آنها برای پرسنل انقلابی، برای سربازان، درجه‌داران و افسران میهن پرست و مردم دوست، خط و نشان

آیت‌الله خمینی می‌گویند: "اکثر ضربات مهلکی که به این اجتماع خورده است، از دست اکثر همین روشنفکران دانشگاه‌رفته‌ای است که همیشه خود را بزرگ می‌دیدند و می‌بینند تنها حرف‌هایی می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشنفکر دیگرش بفهمد و اگر مردم هیچ نفهمند نفهمند زیرا دیگر چیزی که مطرح نیست مردم‌اند و تمام چیزی که مطرح است خود اوست." این قضاوت در باره اکثر روشنفکران دانشگاه رفته ایران قضاوتی عادلانه نیست. کجا اکثر روشنفکران دانشگاهی ما به این اجتماع ضربه مهلک زده‌اند؟ مگر همین دانشگاه نبوده است که همیشه و در تمام طول حکومت جبار بهلولی سنگر مبارزه و آزادیخواهی و انقلاب بود؟ حالا چطور شده که اکثر دانشگاهیان به این جامعه صره مهلک زده‌اند؟ به کدام منطق انتظار دارید مردم حرفتان را باور کنند؟

ما و همه نیروهای انقلابی همواره گفته‌ایم و می‌گوئیم اکثر جوانان دانشگاهی ایران دوست و دلروز مردم‌اند. آنها به مردم و رشد و تعالی فرهنگ و مبارزه انقلابی یاری رسانیده‌اند. اما یک نکته بسیار قابل تعمق در این بند نهفته است. آیت‌الله خمینی می‌گویند: "... حرف‌هایی می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشنفکر دیگرش بفهمد و اگر مردم هیچ نفهمند - نفهمند" کسانی که به صحبت‌های آیت‌الله گوش داده باشند و در آن دقت کرده باشند، معنای این کلام را بهتر می‌فهمند. زبان ایشان زبانی است که توده مردم در زندگی روزمره خود با آن آشنا است. این طرز و شیوه حرف زدن با مردم باید سرتق و دستورالعمل روشنفکران انقلابی خلق قرار گیرد. کم نیستند روشنفکران دانشگاهی که وقتی با مردم حرف می‌زنند، مردم زبان آنها را نمی‌فهمند.

طرز حرف زدن برخی نشریات گروه‌های سیاسی را با مردم ببینید که تا چه اندازه وسیع‌ترین توده‌های مردم از آن حرف‌ها سر در نمی‌آورند!

در سند ۱۲ پیام آمده است: "من بارها گفته‌ام که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند - کم جنبش رادیو تلویزیون باید مستقل و آزاد باشد و همه گونه انتقاد را با کمال بیطرفی منتشر سازند تا بار دیگر شاهد رادیو تلویزیون نا به مخلوع نگردیم."

اس عبارت نمی‌تواند مورد تأیید و حمایت سروه‌های مترقی و آزادیخواه قرار نگردد. هر چند که پیام در عبارت بعد این حرف را نقض می‌کند و به مطبوعات احتیاط می‌کند که نباید دست‌از پا

چطرا کنند. اگر می‌گوئید مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

پیام نوروزی آیت‌الله...

بقیه از صفحه ۴

دهقانان می‌گویند زمین‌داران بزرگ که رحم نمی‌کنند، حق بردن محصول را ندارند. زمین مال کسانی است که روی آن کار می‌کنند این حرف دهقانان حرف حق است، قانون است، عدالت است و هر شرعی که مخالف این باشد بی‌عدالتی است. هیچ کس حق ندارد زمین را از دهقان بگیرد هیچ کس حق ندارد کارگر را از کار اخراج کند کارمند را اخراج کند. ممکن است امروز کارگرانی که از کار اخراج می‌شوند دهقانانی که زاندارم‌ها به زور اسلحه زمینشان را پس می‌گیرند و به مالک می‌دهند، مردمی که امروز بی‌خانه و کاشانه مانده‌اند، زورشان به اسلحه پاسدار و تفنگ زاندارم و توپ و تانک ارتش نرسد، لاکن بالاخره مردم ریشه ظلم و ستم سرمایه‌داری را بر خواهند کند و امپریالیسم را برای همیشه در ایران به گور خواهند سپرد. استقلال کامل میهن را به چنگ خواهند آورد. برای همه کار و ممکن تا مین خواهند کرد کارگران و زحمتکشان آزادی از بند ستم سرمایه‌دار و فئودال را به چنگ خواهند آورد. در این

هیچگونه تردیدی وجود ندارد.

آیت‌الله خمینی می‌گویند: "اکثر ضربات مهلکی که به این اجتماع خورده است، از دست اکثر همین روشنفکران دانشگاه‌رفته‌ای است که همیشه خود را بزرگ می‌دیدند و می‌بینند تنها حرف‌هایی می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشنفکر دیگرش بفهمد و اگر مردم هیچ نفهمند نفهمند زیرا دیگر چیزی که مطرح نیست مردم‌اند و تمام چیزی که مطرح است خود اوست." این قضاوت در باره اکثر روشنفکران دانشگاه رفته ایران قضاوتی عادلانه نیست. کجا اکثر روشنفکران دانشگاهی ما به این اجتماع ضربه مهلک زده‌اند؟ مگر همین دانشگاه نبوده است که همیشه و در تمام طول حکومت جبار بهلولی سنگر مبارزه و آزادیخواهی و انقلاب بود؟ حالا چطور شده که اکثر دانشگاهیان به این جامعه صره مهلک زده‌اند؟ به کدام منطق انتظار دارید مردم حرفتان را باور کنند؟

ما و همه نیروهای انقلابی همواره گفته‌ایم و می‌گوئیم اکثر جوانان دانشگاهی ایران دوست و دلروز مردم‌اند. آنها به مردم و رشد و تعالی فرهنگ و مبارزه انقلابی یاری رسانیده‌اند. اما یک نکته بسیار قابل تعمق در این بند نهفته است. آیت‌الله خمینی می‌گویند: "... حرف‌هایی می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشنفکر دیگرش بفهمد و اگر مردم هیچ نفهمند - نفهمند" کسانی که به صحبت‌های آیت‌الله گوش داده باشند و در آن دقت کرده باشند، معنای این کلام را بهتر می‌فهمند. زبان ایشان زبانی است که توده مردم در زندگی روزمره خود با آن آشنا است. این طرز و شیوه حرف زدن با مردم باید سرتق و دستورالعمل روشنفکران انقلابی خلق قرار گیرد. کم نیستند روشنفکران دانشگاهی که وقتی با مردم حرف می‌زنند، مردم زبان آنها را نمی‌فهمند.

طرز حرف زدن برخی نشریات گروه‌های سیاسی را با مردم ببینید که تا چه اندازه وسیع‌ترین توده‌های مردم از آن حرف‌ها سر در نمی‌آورند!

در سند ۱۲ پیام آمده است: "من بارها گفته‌ام که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند - کم جنبش رادیو تلویزیون باید مستقل و آزاد باشد و همه گونه انتقاد را با کمال بیطرفی منتشر سازند تا بار دیگر شاهد رادیو تلویزیون نا به مخلوع نگردیم."

اس عبارت نمی‌تواند مورد تأیید و حمایت سروه‌های مترقی و آزادیخواه قرار نگردد. هر چند که پیام در عبارت بعد این حرف را نقض می‌کند و به مطبوعات احتیاط می‌کند که نباید دست‌از پا

چطرا کنند. اگر می‌گوئید مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذائی گروه چریکی مجعول را که مدعی

سیاست‌های "گام به گام" گام به گام شاه را به ایران نزدیک میکند

قریب پنج‌ماه از اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا می‌گذرد. در این مدت شاهد مہینگها و تظاهرات میلیونی مردم مبارز مہینمان بودیم. در تمام این حرکت‌ها خلقهای تحت ستم ایران با اراده‌های واحد خواهان استرداد شاه جنایتکار و محاکمه انقلابی او بازگرداندن ثروت‌های بی‌پغما رفته خود شدند.

امپریالیسم آمریکا که از حرکت عظیم تودم‌ای و جو ضد امپریالیستی حاکم بر ایران و منطقه به وحشت افتاده بود، کوشید تا با توسل به پکرشته مانورهای سیاسی، نظامی و اقتصادی موقعیت خود را در منطقه که به شدت تضعیف شده بود، تقویت نماید. جو ضد امپریالیستی حاکم بر ایران موجب شد که دست و پای مدافعان سیاست‌های "گام به گام" در پوست گردو بماند و تحرک سیاسی‌شان کاهش یابد. امپریالیسم آمریکا برای فعال‌تر کردن عوامل وابسته به خود و تخفیف جو ضد امپریالیستی و برای منافع آتی خود، شاه مخلوع را در ۲۶ آذر ۱۳۵۸ با یک هواپیمای نیروی هوایی آمریکا روانه پاناما کرد. برخلاف داستان پردازی‌های عوامفریبانه قطب‌زاده و شورای انقلاب، دولت پاناما از شاه به عنوان یک رئیس دولت پذیرائی نمود. در ابتدای اشغال مرکز جاسوسی آمریکا، دوستان و جاسوسان آمریکا، در پیشگاه مردم افشا گردیدند که در ادامه‌اش جنبه سرمایه‌داران لیبرال (وبویژه شورای انقلاب) را با واکنش‌های آشکار و تند در جهت جلوگیری از تداوم این مبارزه و انحراف آن واداشت. آنان کوشیدند تا لبه تیز تیغ حمله را از امپریالیسم آمریکا منحرف نموده و از نفرت ضد امپریالیستی مردم در جهت تحکیم موقعیت خود سود جویند.

قطب‌زاده که در دوران تصدی مسئولیت رادیو و تلویزیون ماهیت ضد مردمی و جنگ افروزان خود را نشان داده بود، در پیست وزارت خارجه نیز به تحمیق توده‌ها پرداخت و از نفرت توده‌ها علیه شاه جنایتکار به‌نحوی مزورانه در تحکیم موقعیت خود سود جست. او در آخرین ساعات تبلیغات برای انتخاب رئیس جمهوری، دروغی شادخدار با بزرگ‌ترین تیتیر ممکنه در روزنامه‌ها درج نمود که شاه در پاناما دستگیر شده است و چنین وانمود کرد که این اقدامات در پرتو

سیاست‌های "داهیانہ" ایشان مقدور و میسر است تا از طریق این عوامفریبی‌ها راه را برای احراز ریاست جمهوری هموار نماید.

در صورتی که در همان زمان دولت پاناما با تمام امکانات خود از شاه جنایتکار پذیرائی می‌نمود.

وزیر امور خارجه و شورای انقلاب که بنا به سوابق گذشته‌شان می‌توانند یک شبه پرونده قطوری علیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست تهیه و تدارک ببینند، این بار بنا بر وظیفه "شرعی" خود تعابلی جهت تنظیم پرونده جنایات و خیانت‌های سی و هفت ساله شاه که فقط یک مورد اتهامش هفتاد هزار کشته و صدها هزار زخمی است، نشان ندادند. شورای انقلاب و وزیر امور خارجه‌اش با داشتن وکلای بین‌المللی متعدد، تنها یک روز مانده به مهلت تعیین شده از طرف دولت پاناما و مسافرت شاه به مصر

سازشکاران کوشیدند تا لبه تیز تیغ حمله را از امپریالیسم آمریکا منحرف نموده و از نفرت ضد امپریالیستی مردم در جهت تحکیم موقعیت خود سود بجویند.

پرونده‌های ناقص که انگار برای تبرئه شاه تنظیم شده بود، تدارک می‌بینند و بدین طریق تمام شرایط مساعد جهت مسافرت شاهانه به مصر فراهم می‌گردد.

امپریالیسم آمریکا، دولت پاناما و شورای انقلاب و وزارت امور خارجه قطب‌زاده می‌کوشند تا در آخرین ساعات پرواز شاه جنایتکار به مصر، به قیمت چند ساعت توقف اضافه‌شاه در پاناما گروگان‌ها را آزاد نمایند. این سناریو بدین طریق تنظیم می‌شود که اگر گروگان‌ها آزاد شوند، دست دولت پاناما از نظر افکار عمومی باز خواهد

بود تا در مورد بازداشت شاه تصمیم گرفته شود.

وزیر امور خارجه می‌کوشد تا تمام کاسه‌کوزه‌ها را بر سر دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی خرد کند که اگر آنها گروگان‌ها را آزاد کرده بودند ما می‌توانستیم خیلی کارها انجام دهیم.

وزیر امور خارجه در آخرین مصاحبه خود به دفاع از امپریالیسم آمریکا و اسرائیل صهیونیست برمی‌خیزد و چنین وانمود می‌کند که حتی اسرائیل از پذیرش شاه استقبال نکرد. و مسافرت شاه به مصر را تنها در رابطه شخصی و دوستی انور سادات و شاه برررسی می‌نماید و در نمایشنامه وزیر امور خارجه نقش توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا لاپوشانی می‌شود.

ولی خلق مبارز و قهرمان ایران به خوبی درک می‌کند که مسافرت شاه جنایتکار به مصر مسافرت یک بیمار در حال مرگ نیست بلکه مسافرت یک ضد انقلابی جنایتکار و کهنه کار است که از طرف ژاندارم آمریکا در منطقه یعنی هیئت حاکمه مصر به سرکردگی انور سادات دعوت گردیده است تا بتواند یکی از کانون‌های اصلی ضد انقلاب در منطقه را تقویت کند. تا بتواند تمام ساواکی‌ها، فرماندهان مزدور ارتش و سرمایه‌داران فراری را در منطقه علیه خلق مبارز ایران و دیگر خلقهای منطقه بسیج کنند. ماسک انسان دوستانه امپریالیسم آمریکا و هیئت حاکمه مصر آن فضاحت باراست که حتی دلکتهای طرفدار حقوق بشر را نیز به خنده واداشته است. و همزمان با آن فعالیت‌های یک مهره دیگر امپریالیسم، شاپوربختیار در منطقه تشدید می‌گردد و مسافرت‌های مشکوکی از طرف ژنرال‌های جلاذ رژیم شاه در منطقه صورت می‌گیرد. و ایادی امپریالیسم در مناطق مختلف به‌ویژه در کردستان از طریق بسیج ارتش به جنگ افروزی جدیدی سرگرم‌اند. اینان هنوز خیال خام بازگشت سلطنت را در سر می‌پرورانند. امپریالیسم آمریکا همزمان

با این اقدامات بودجه‌ای به مبلغ پنج میلیارد و دویست میلیون دلار به ناوگان عظیم خود در منطقه اختصاص می‌دهد، پایگاه‌های متعدد نظامی در عمان، سومالی، کنیا و ترکیه به دست می‌آورد، قراردادهای نظامی وسیعی با دولت دست‌نشانده پاکستان به امضاء می‌رساند و دولت سرسپرده عراق را وادار به تحریکات گسترده‌ای علیه خلق مبارز ما می‌کند. اینها گوشه‌ای از فعالیت نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه است ولی رشد و آگاهی خلق رزمنده ایران مانع از آن خواهد شد که امپریالیسم و

شاه از جانب آمریکا و از زبان ژاندارم آمریکا در منطقه یعنی هیئت حاکمه مصر به سرکردگی انور سادات دعوت گردیده است تا بتوانند یکی از کانون‌های اصلی ضد انقلاب در منطقه را تقویت کنند.

سرمایه‌داران وابسته به آن بتوانند زیر پوشش سیاستهای عوامفریبانه، مقاصد شوم خود را عملی سازند هر چند که امپریالیسم و سرسپردگانش به وقیحانه‌ترین حربه‌های موجود در زرادخانه سیاستهای ضد مردمی خویش بکوشند تا حقایق را برای توده‌ها وارونه جلوه دهند.

امپریالیسم آمریکا که از حرکت توفنده خلقهای منطقه به‌هراس افتاده است، سعی دارد که کانون‌های ضد انقلابی را در منطقه متشکل تر سازد. با چنین سیاستی است که کشتارگر خلقهای فلسطین، صحرای غربی و دیگر خلقهای جهان یعنی امپریالیسم آمریکا، با تلاش فراوان مرتجع‌ترین و وابسته‌ترین رژیم‌های دست‌نشانده خود را در اسلام‌آباد برای به اصطلاح دفاع از خلق مسلمان افغانستان به‌دور هم جمع می‌کند.

دوستان امپریالیسم در شورای انقلاب دست در دست رژیم‌های خودکامه و دست‌نشانده منطقه نهاده و همگی با دستهای خونین از کشتار زحمتکشان کشورهای خود، قطعنامه اسلام‌آباد را که در تمام سطور آن منافسع امپریالیسم مستتر است، امضاء می‌نمایند. در جایی که بادیه نشینان عربستان و زاغسه نشینان دیگر کشورهای شرکت کننده از ابتدائی تریس امکانات انسانی محروم هستند میلیاردها دلار جهت خرید اسلحه آمریکائی در اختیار ضیاء الحق و شورشیگان افغانستان گذارده می‌شود.

چنین اقدامات وسیع و گسترده‌ای از طرف امپریالیسم آمریکا تماماً نشانه یک تهاجم خطرناک و بردارنده علیه نیروهای انقلابی منطقه به ویژه خلق مبارز ایران است و همزمان با این تهاجم امپریالیسم، سرمایه‌داران مزدور ایران از موقعیت اجتماعی خود کوه در ارگان‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی نفوذ دارند، برای پیشبرد اهداف خائنه خود بهره‌می‌گیرند. آنان می‌کوشند تا تمام ساواکی‌ها را عفو نموده‌واز زندان آزاد کنند و برایشان شرایط مطلوب و مساعد فراهم کنند.

در جایی که تحصن بیکاران به خاطر کار، در اندیشک و دیگر شهرهای ایران به خون کشیده می‌شود، ساواکی‌ها آزادانه برای پاداش عیدی و حقوق جلوی نخست‌وزیری اجتماع می‌کنند.

این عناصر وابسته به امپریالیسم با کمک موقعیت اجتماعی خود می‌کوشند تا با اخراج و تصفیه نیروهای انقلابی در کارخانجات، ادارات و ارتش، زمینه تحکیم مدیران سابق و سران مزدور ارتش و عناصر وابسته به رژیم سابق را فراهم سازند.

مجموعه این عوامل که در درون کشور ما و منطقه توسط امپریالیسم صورت می‌گیرد، خطری بس جدی را نشان می‌دهد و در این برهه از زمان مسئولیت خطیری را به دوش نیروهای مترقی و انقلابی محول می‌کند که با وحدت و شکل و پیگیری خود، نقشه‌های شوم امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران را خنثی نمایند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا



مردم و مناظره تلویزیونی

یکی از صیادان می گفت:

این برنامه باعث شد که چشم و گوشم را واکنم و ببینم دنیا دست کیسه؟

مناظره تلویزیونی سازمان ما با رئیس جمهور و دیگر مسئولان مملکتی در رابطه با جنگ تحمیلی گنبد، بحثها و اظهار نظرهای گوناگونی را برانگیختهاست. در زیر برخورد یکی از رفقای هوادار را در این زمینه با چند نفر از مردم شمال که در ایام تعطیلات نوروزی صورت گرفته است، می خوانیم. ما در آینده مجفوعه این نظرات را همراه با همه پیشنهادات و انتقادات چاپ می کنیم.

بالاخره من هم کفش و کلاه کردم و برای دیدن یار و دوستان به سمت ولایت رفتم. در تمام مدت راه شوق و ذوقم این بود که با مردم ولایت به صحبت بنشینم. از هر چیزی و همه کس بگویم. از سیاست و حکومت و سازمان، از بدو خوب. از هر چیزی که با خلق و منافع خلق نسبت دارد. از دوستان و دشمنان خلق، از سازمان های مترقی و انقلابی، از امپریالیسم امریکا.

بوی سرسبزی شمال را شنیدم. نم نم باران جان آرزومند درختان را می نواخت گسترده شالیزارهای زیرکشت زرفته، قامت مبارک برنج را در دهنم زنده می کرد، هوا بوی خاک و شکوفه می داد. ظهر بود که به خانه رسیدم.

سرشار و سرمست، سرمست از همه پرده های گوناگونی که با آرم سازمان در تمام طول راهم بود. سرشار از فرهنگ سیاسی باروری که اکثریت مردم ولایت دارند. هنوز خستگی راه از تنم در نرفته بود که بحث سیاسی شروع شد. همانطور که حدس زده می شد، مسئله مناظره و مسئله تازه های بود. از گوشه و کنار اطاق اظهار نظرهای مختلفی می شد. از مادر و خواهر و دایی گرفته تا "کوجولو" ها. توی حرفهای یکدیگر می دویدند. بالاخره مادری زورش چربید.

"از اول غروب مردم پای تلویزیون بودند. دل تو دل هیچکس نبود. خدا خدا می کردیم که برق خاموش نشه. استاندار که سر صحبت را وا کرد گفتم ای داد و ببداد بچه ها از پیش برنمیان. بعد صحبت که دور زد دیدم نه اینطور نیست. با عوامفریبی و دوزو کلکش کاری از پیش نبرد. اتفاقا بدتر هم شد. پاک قافیه راباخته بود. بنی صدر هم وسط دعوا نرخ تعیین می کرد. هیچ کجای دنیا دیده نشده. رئیس جمهوری مملکت ۴ ساعت با مخالفینش صحبت بکنه. کسی نبود بنفش یکه آخه سرد حسابی شق القمر که نکردی وظایفات را انجام دادی.

تیمسار که از دماغ فیصل افتاده بود، عینهور شاه، داشت زمین و زمان را به هم می دوخت. همان بهتر که بیشتر حرف نزد. جریبان ساواکیه چی بود؟ می خواستند استخداش کنند؟ این قسمتش خیلی خوب بود. اصلا جواب نداشتند. همه هاج و واج شده بودند. مردم خودشون فهمیدند چی به چیه. مکه میشه

سر مردم کلاه گذاشت؟ مگه میشه روی آفتابو گل مالی کرد؟ تاجایی که پادامه منادر همیشه از سازمان پشتیبانی می کرد ولی این دفعه به طور دیگه حرف می زد. موقع حرف زدن قند تودلش آب می شد. مادر اولین کسی بود که خبر پخش مناظره را به تک تک خانواده داده بود و از آنها خواسته بود که کارهای متفرقه را تا زمان پخش برنامه انجام دهند. می گفت:

راستی چرا بنی صدر اینقدر خودشو باد می زد؟ برنامه که تمام شد دلم شور افتاده کنه. سر بچه ها بلائی بیارن. شب بعد پیش یکی از صیادان محلی بودم. تا نیمه های شب گپ زدیم. ۱۵ سال بود ماهی می گرفت با قلمتی بلند و ورزیده، بیاد آور کشاکش های تور و موج و پازو بود. از جنگ تحمیلی بنسدر انزلی می گفت، از کشتار تاریخی ماهیگیران بنسدر از ظلم و ستمی که می شد و می شود گفت:

اگر کمونیست ها بیان وضع بهتر میشه. صد درصد. اگر اونها بیان، ظلم نیست، حق کشی نیست، بدبختی نیست. فدائی ها کمونیستند؟ "آره" "همشون؟" "آره، همه شون"

می گفت: "تا قبل از برنامه تلویزیونی خیلی چیزهارو نمی دونستم. این برنامه باعث شد که چشم و گوشم را خوب و اکتم و ببینم دنیا دست کیسه؟" می گفتند یکی دوبار دیگه فدائی ها به تلویزیون آمده بودند ولی من ندیده بودم. فدائی ها اونشب حرف دلمو می زدند. فردا تو راسته "ماهی فروشان" از مشتری گرفته تا ماهی فروش از مناظره می گفتند. حرفهای جورواجوری زده می شد. قضاوت های

فرمانداری بود. هنوز رسمی نشده بود. دل پردردی داشت. خوش صحبت و همه فن حریف. بنی صدر را به نام نمی شناخت. موقع انتخابات ریاست جمهوری اسمش را از پسرش یاد گرفت و به او رای داد. از هر دری صحبت می کرد. می گفت: اطلاعات نسومی همه کین بالا

از احیافات فرمانداری می گفت. از قطع ۷۵۰ تومان اضافه حقوق ماهیانه شان می گفت که در دوره طاغوت بر حقوقشان اضافه شده بود و حالا می بایست تاوان پول های دریافت شده را بپردازند.

حرف به درازا کشید. به مناظره رسیدیم. برای دیدن برنامه به خانه همسایه بغل دستی رفته بود. ظرایف و دقیق مناظره را به دقت خاصی واری کرده بود. حتی نوار قرار گرفتن صندلی بنی صدر را در گوشه بی حساب نمی دید.

"می خواست خود شرا دولت بی طرف معرفی کند." می گفت: "جنش خرده شیشه داره. رئیس جمهور مملکت نیاید اینقدر دوسهم زن باشه. جایی که می بایست جواب بده، ساکت بود و جایی که می بایست ساکت باشه، پارازیت می داد. من همان شب رایم را پس گرفتم. بقیه هم سرو ته یک کرباس بودند. دهن یکدیگر را نگاه

می خواست خود شرا دولت بی طرف معرفی کند." می گفت: "جنش خرده شیشه داره. رئیس جمهور مملکت نیاید اینقدر دوسهم زن باشه. جایی که می بایست جواب بده، ساکت بود و جایی که می بایست ساکت باشه، پارازیت می داد. من همان شب رایم را پس گرفتم. بقیه هم سرو ته یک کرباس بودند. دهن یکدیگر را نگاه

حالا بنی صدر همه حرفهاشو نزد. اگر می زد چه می کردید؟ اون خیلی زرنکه. به بین سادگی دم به تله نمیده. جوان هم صحبتش می گفت: دیدیم چطوری افتاده بود توهجیل، همی خودشو باد می زد همی عرق می کرد. حالش بد بود بدتر شده بود.

حدودا ۵۰ ساله بود. بالا به صحبت نشستیم. از سرزمین کشت و کار و برنج بود. سوی رنج می داد. ۲۸ سال مستخدم

مختلفی می کردند. منم از فدائی ها طرفداری کردم. زنش می گفت: "اشته کردند فدائی ها را پشت تلویزیون آوردند. مثل برنامه گل سرخی شد. می خواستند به نفع خودشون استفاده کنند ولی نشد. گمان نمی کنم دیگر از این کارها بکنن."

دبیر دبیرستان ها بود. در زندگی شخصی اش آدم خوش قلبی است و لی در زمین سیاست همیشه گاهی به میخ می زد گاهی به نعل. ظاهرا همه کاره هیچ کاره است. این او اخر هم در انتخابات ریاست جمهوری به تیمسار مدنی رای داده بود. می گفت:

دیدی چه بلائی به سر چریکها آوردند؟ "کی؟! " "حکومت. البته چریکها هم بعضی جاها بد نمی گفتن. ولی برد با حکومت بود. اینو هر آدم عاقلی می دونه."

"به همین خیال باش!" سر چهارراه شهر غلغله بود زیر نم باران بحث سیاسی گل کرده بود. از جوانان ۱۸- ۲۰ ساله گرفته تا آدم های ۴۰- ۵۰ ساله به صحبت ایستاده بودند. مرد ۵۰ ساله ای که خرازی داشت با چهار دست و پا حرف می زد. بعضی وقتها هم ادای پدر بزرگها را در می آورد. می خواست وانمود کند خیلی حالیشه. می گفت:

"حالا بنی صدر همه حرفهاشو نزد. اگر می زد چه می کردید؟ اون خیلی زرنکه. به بین سادگی دم به تله نمیده. جوان هم صحبتش می گفت: دیدیم چطوری افتاده بود توهجیل، همی خودشو باد می زد همی عرق می کرد. حالش بد بود بدتر شده بود."

حدودا ۵۰ ساله بود. بالا به صحبت نشستیم. از سرزمین کشت و کار و برنج بود. سوی رنج می داد. ۲۸ سال مستخدم

حدودا ۵۰ ساله بود. بالا به صحبت نشستیم. از سرزمین کشت و کار و برنج بود. سوی رنج می داد. ۲۸ سال مستخدم

می کردند. همه اینها در مجموع بکجور حرف می زدند. راست می گفتند. تلویزیون را می بردند محله به محله ترکمن صحرا. با مردم مصاحبه می کردند آن وقت می دیدیم چی به چیه؟ آخه عوامفریبی هم حدی داره. مردم که غدا رو پستی تو دهن نگذاشتند. مسئله دو پو تا چهار تا ست. ما که بی سواد بودیم، فهمیدیم چه رسد به سواد دارا. آخه همیشه صبح تا غروب از در و دیوار دروغ بارونت کنند و تو متوجه نشی بالاخره یک روز می فهمی.

در تمام مدت اهل و عیالش دور و بر ما نشسته بودند. پسر بزرگش دم به دم به من چشم میدوخت و با لبخند مداومت حرفهای پدرش را تائید می کرد. وقتی حرف می زد، نشون می داد که از کجای دلش میگه. مرتب و منظم صحبت می کرد. نقر زدن های استاندار بد جوری کلامه اش کرده بود. می گفت:

"فلا حی خیال می کردتیمما دوره شاهه. دیدی چه حوری هارت و هورت می کرد. وقتی که بنی صدر از اسلحه صحبت می کرد و می خواست رای گیری کنه، آنجاهم خوب پنهناش را زدند. گفتند که مگه ۹۵٪ به ازای شما به بازرگان رای ندادند؟ بودند؟ چطور شد که بازرگان، توزرد از آب درآمد. راست هم می گفتند. مگه یادمون رفته که چه جور و واسه بازرگان سر و دست می شکستند. ولی بعد چطور شد؟ همه دیدند چه جوری گذش درآمد."

به اینجاست که رسیدند پسر بزرگش هم لب وا کرد. از قضاوت معلم های مدرسه اش می گفت. از اظهار نظر بچه های کلاسش حرف زد. می گفت: "رفقا میان بچه ها خوب گل کرده بودند. پدر می گفت:

استاندار اول توپش خیلی پر بود. بعد دید، نه طرف هم پر زوره، پیهو بادش خالی شد. هر چه سعی کرد دیگر نمی توانست دوز برداره"

استاندار اول توپش خیلی پر بود. بعد دید، نه طرف هم پر زوره، پیهو بادش خالی شد. هر چه سعی کرد دیگر نمی توانست دوز برداره"

استاندار اول توپش خیلی پر بود. بعد دید، نه طرف هم پر زوره، پیهو بادش خالی شد. هر چه سعی کرد دیگر نمی توانست دوز برداره"

آقای رئیس جمهور میگوید:
دولت باید شوراهار را تشکیل بدهد
مامیگوئیم
دولت را باید شوراهات تشکیل بدهند
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۵۸/۱۲/۱۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

پیام جبهه خلق در بحرین به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقای رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!

با درودهای انقلاب و مبارزه

کمیته جراحی جبهه خلق در بحرین با مسرت تمام دهمین سالروز آغاز حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را به شما و کادرها و پایگاههای سازمان و نیز به تودههای قهرمان ایران تبریک میگوید. به ویژه آنکه این روز مصادف است با نخستین سالگرد سقوط دیکتاتوری و پیروزی انقلاب.

بی شک رزمندگان و مبارزین فدائی خلق با فداکردن خون خویش راهگشای مبارزه‌ای بوده‌اند که کمتر کسی تصور می‌کرد با گذشت ۹ سال از آغاز مبارزه مسلحانه، چنین پیروزی بزرگی نصیب خلقهای ایران می‌شود.

شما همچون شراره‌ای در قلب تیرگی و همچون نقطه امید برای خلقتان در قلب ناامیدی کشته‌شده بودید و ضربات کوبنده شما علیه ازار سرکوب وحشیانه، انبوهی از امید برای مردم تحت ستم و دیکتاتوری ایران بود.

رزمندگان فدائی خود را سوخت مایه آن آتشی قرار دادند که انقلاب را افروخت و همراه سایر انقلابیون راستین با سرسخت‌ترین رژیم‌های دیکتاتوری مورد حمایت امپریالیسم آمریکا (سرگروه امپریالیستی) جنگیدند و طی این نبرد نقاب از چهره رژیم برداشته، بنیان آن را لرزه درآوردند و آنگاه که شرایط رستاخیز توده‌ها فراهم شد رژیم استبداد و دیکتاتوری را درهم کوبیدند و ریشه سلطه امپریالیسم آمریکا را به لرزه درآورد. آنگاه که شما با دیکتاتوری شاه نبرد می‌کردید، ما همواره

در چهره‌تان مبارزینی انترناسیونالیست با سرشتی پولادین و ایمانی عمیق به ختمیت پیروزی انقلاب مشاهده می‌کردیم که هم‌چنین بهترین رزمندگان را برای نبرد به فلسطین و عمان گسیل داشتید تا آنجا که خون رفقای رزمندگان روابطی ناگسستنی میان انقلابیون ایران و عرب ایجاد کرد و این تجسم پیوندی بود در مقابل روابط خیانت‌آمیز شاه و رژیم‌های مرتجع عرب.

رزمندگان شما سمبل انقلابیون ایران بودند آنچنانکه در فداکاری و از خودگذشتگی درسها از شما آموختیم. نقش شما و نقش سایر سازمان‌هایی که با مبارزه رژیم دیکتاتوری مقابله می‌کردند حتی در همان حالت آغازینشان در میان توده‌های خلقهای ایران غیرقابل انکار است. شما در انقلاب ایران جایگاه فراموش‌ناشدنی دارید که این جایگاه را از راه فداکاری و مبارزه به دست آورده‌اید به همین دلیل در استمرار انقلاب ایران و حراست از آن و نیز تکامل آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارید.

زنده‌باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
زنده‌باد مبارزات توده‌های خلقهای ایران و
انقلاب پیشتان آن

زنده‌باد همبستگی مبارزاتی ایرانی-عربی

جبهه خلق در بحرین
۷ فوریه ۱۹۸۰
۱۹ بهمن ۱۳۵۸

خاطره قاضی محمد ویارانش را گرامی داریم

در سپیده دم دهم فروردین سال ۱۳۲۶ رهبران و پایه گذاران جمهوری ملی و دمکراتیک کردستان، قاضی محمد، سیف قاضی و صدر قاضی در میدان شهر (میدان قاضی محمدکونی) مهاباد به دست دژخیمان رژیم ضد خلقی شاه به دار آویخته شدند و سنت انقلابی شهادت در راه آرمان خلق را پاسداری نمودند. خلق زحمتکش و مبارز کرد، که سالیان دراز از سلطه خفقان بار رضاشاهی و ستم و انقیاد ملی و طبقاتی رنج می‌برد، در سال‌های پس‌از شهریور ۲۰ دوش بدوش دیگر توده‌ها و خدثهای مبارز و انقلابی مبین، به عرصه مبارزه فعال ملی و طبقاتی بای نهاد. در این مبارزه سهم ارزنده و بارز قاضی محمد و دیگر انقلابیون دمکرات و مبارز در سازماندهی و هدایت مبارزه خلق زحمتکش کرد و اعتلای سنت‌های مبارزه دمکراتیک و ترقیخواهانه در جامعه شایان توجه است.

پیکار دمکراتیک و ملی در کردستان به رهبری قاضی محمد، بخشی از جنبش ضد امپریالیستی و رهاشخصش توده‌های سراسر ایران بود. رژیم ضد خلقی شاه دژراساز گسترش جنبش مبارزاتی (که ابعاد دمکراتیک مبارزه سراسری در ایران را گسترش می‌داد)، بود، با اطلاق تحریک طلبی به آن، آن را مورد تهاجم و سرکوب قرار داد.

خاطره مبارزه و شهادت قاضی محمد و یارانش ست‌های مبارزاتی خلقها و به ویژه خلق زحمتکش کرد گره خورده و با زندگی و فرهنگی آنها عجین شده است. شهدای خلق همواره در فرهنگ انقلابی خلق جاوید خواهند زیست.

گرامی باد یاد شهدای
به خون خفته خلق

معرفی دو مجموعه از ترانه سرودهای کارگاه هنر ایران



۱- سرودهای بند (شماره ۱۵)

الف: عشق - آتش - بهار
خلق - ما ما ما - خورشید
انقلاب - آرمان خلق

ب: موزیک‌تنهای سرودها

۲- اولین مجموعه از سری
آهنگهای اجرا شده در جشنواره
موسیقی خلقها (شماره ۱۷)

موسیقی خلق لر به مناسبت
بزرگداشت سالروز قیام
۲۲ بهمن و حماسه سیاهکل
به آرم کارگاه هنر ایران روی
جلد و روی نوار توجه کنید.

اعتراض گروهی از دانشجویان ایرانی در آمریکا

به کشتار فجیع خلق ترکمن

۱۳۵۸ / ۱۲ / ۱۰

دفتر ریاست جمهوری اسلامی ایران

ما دانشجویان اینجام می‌خود را از کشتار وحشیانه خلق ترکمن بهره‌ترور چهار شه
از رهبران ستاد مرکزی خلق ترکمن که به شیوه ساوان صورت گرفته و با آبر شهادت
رژنده در رزم سابق است اعلام می‌دهیم. بی‌شک خلق ایران طمانش را که با سرکوت و عمل در
مغفیب و معازات سپهین، تکرار جنبش فجایی را باعث میشوند صلوات و افسی این جنایات می‌اند
ما خواستار معرفی و معازات هر چه بیشتر طراحان و مجریان این جنایات هستیم.

سازمان دانشجویان ایرانی در ایالت - آمریکا

ISA-CU
P. O. BOX 2630, STA. A
CHAMPAIGN, IL 61820

روزنوت به:

- ۱- سفارت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن - آمریکا
- ۲- ستاد مرکزی خلق ترکمن
- ۳- کانز زنده انباده سیاسی ایران
- ۴- کانز نمیندگاه ایران
- ۵- روزنامه اطلاعات
- ۶- روزنامه کیهان
- ۷- روزنامه جامه‌اد
- ۸- روزنامه انقلاب اسلامی
- ۹- روزنامه جمهوری اسلامی
- ۱۰- نشر به کیار
- ۱۱- نشریه جامه‌اد
- ۱۲- هفته‌نامه جنبش

پیش
روا

استثنا
مواردت
افتادگی

بنی و

متحقق گشت
به موجب آن
۴۸ ساعته

قطع ر

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر